

مرزهای طبقاتی مانع اولیه ساماندهی فضای شهر (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران)

دکتر محسن جان‌پرور^۱، آرش قربانی سپهر^۲ و معصومه قانع حسن‌نیا خباز^۳

تاریخ وصول: ۹۹/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۲

چکیده:

شهرها به‌عنوان پدیده‌های جغرافیایی در طی تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر از طریق جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات به یکی از عناصر برجسته زندگی بشری تبدیل شده‌اند. به نحوی که توسعه شهرنشینی را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین تحولات اجتماعی نیم قرن اخیر دانست. این توسعه و تحول با خود یکسری مسائل و مشکلات نظیر حاشیه‌نشینی، ایجاد کلان‌شهرها و غیره به همراه آورده است. یکی از مهم‌ترین این مسائل توسعه نابرابری‌ها در فضای شهرها و شکل‌گیری و توسعه مرزهای طبقاتی به‌ویژه در کلان‌شهرهای جهان سوم نظیر تهران است که به صورت‌های مختلف ساماندهی فضای شهر را تحت تأثیر خود قرار داده و با مشکل مواجه ساخته است. بر این مبنا، مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی تلاش دارد تا تأثیر وجود و توسعه مرزهای طبقاتی را بر ساماندهی فضای شهر تهران مورد بررسی قرار دهد. بر این بنیاد بررسی‌های صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که در فضای شهر تهران می‌توان مرزهای طبقاتی متعددی مانند سطح درآمد، دسترسی به امکانات، دسترسی به فضای سبز و غیره را به سادگی مشاهده کرد. وجود این مرزهای طبقاتی در فضای شهر همانند شکافی فضای شهر را به چندپارگی تقسیم کرده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن است که وجود مرزهای طبقاتی و توسعه آن در شهر تهران به صورت‌های مختلف فضاها را به وجود آورده است که خود به صورت مانعی در برابر ساماندهی شهر تهران عمل می‌کند.

مفاهیم کلیدی: ساماندهی، مرزهای طبقاتی، تولید فضا، فضای شهر، تهران

^۱ استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران janparvar@um.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ar.ghorbanisepehr@mail.um.ac.ir

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (آمایش) دانشگاه تهران، تهران، ایران masoumeh.gane@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

امروزه شهرها از جمله پدیده‌های فضایی - جغرافیایی هستند که از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند و این پدیده‌های فضایی - جغرافیایی اگر چه مظهر کارکردهای اساسی جوامع بشری است، اما وجوه سیاسی و اقتصادی آن بیشتر مورد توجه بوده است. بر این اساس شهر از گذشته تا کنون مقر حاکمان، نماد و فضایی برای اعمال قدرت در قلمرو حکومت در سطح کشور، مناطق و توابع آن و نیز محلی برای نمایش شکوه قدرت و کشمکش بر سر قدرت بوده است. از این رو، شهرها اهداف استراتژیک بوده و هستند (Janparvar & Ghorbani Sepehr, 2017: 57). بر این بنیاد یکی از مسائل مهم در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری داخلی هر کشور، چگونگی سازماندهی سیاسی فضا است (Ahmadipour & et. al, 2010: 40). از این رو مسائل و مشکلات شهری به‌ویژه در جهان در حال توسعه در طی دهه‌های اخیر به موضوعی برجسته و مهم جهت بحث و بررسی تبدیل شده است. این مسائل و مشکلات در این کشورها که روند شهرنشینی شتابان را طی کرده و به کلان‌شهری و قطبی شدن منجر شده است، به یکی از مسائل برجسته تبدیل شده است. رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلان‌شهرها عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با مشکلات شهری متعددی همراه شده است. مسائل ناشی از تراکم جمعیت، عدم رعایت حریم‌ها، مرزها و محدوده‌های موجود در شهر، مسئله حقوق فردی و حقوق شهروندی و ... زندگی در فضای شهرها را با مشکلات و ناامنی‌هایی همراه کرده است. این مسئله در فضای پایتخت کشور، یعنی شهر تهران از اهمیت و جایگاه برجسته‌تری نسبت به سایر فضاها برخوردار است. به نحوی که در طی دهه اخیر بارها صحبت از جابه‌جایی پایتخت از سوی مسئولین به دلیل مسائل و مشکلات روزافزون شهر تهران به میان آمده است. در کنار این دیدگاه معتقد به جابه‌جایی پایتخت از شهر تهران، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که برای حل و فصل مسائل و مشکلات موجود در فضای شهر تهران، به ساماندهی فضای این شهر اعتقاد دارند و مدعی هستند که با حرکت جهت ساماندهی شهر تهران می‌توان ضرورت انتقال پایتخت را با هزینه‌های بالایی که دارا می‌باشد منتفی نمود. مبتنی بر این اصل به نظر می‌رسد عوامل و مسائل زیادی را جهت دستیابی به اهداف ساماندهی شهر تهران باید در نظر گرفته شود، یکی از این عوامل مؤثر بر ساماندهی، مرزهای طبقاتی موجود در فضای شهر تهران است، که در طی دهه‌های اخیر پررنگ‌تر نیز شده است. زیرا، مسائل ناشی از جهانی شدن مشتمل بر ایجاد شکاف عمیق بین طبقات اجتماعی، سطوح روز افزون فقر و مسائل بزرگ مقیاس جمعیت‌شناختی

می‌باشد. شهرهای جهانی شکاف در حال گسترده‌ای را بین برندگان و بازندگان جهانی شدن به نمایش می‌گذارند. شهرهای جهانی تعداد زیادی از شغل‌های «کنترل و فرماندهی» با دستمزد بالا را برای مدیران شرکت‌ها و شغل‌های «نظافتی» با دست مزد پایین را برای کارگران مهاجر در خود جای می‌دهند. وجود قلمروهای در حال گسترش فقر و ثروت در شهرهای جهانی بر ماهیت ناهمسان جهانی شدن دلالت دارد. همچنین شهرهای جهان سوم، شکاف در حال گسترش بین برندگان و بازندگان جهانی شدن را تجربه می‌کنند. در حالی که تعداد اندکی از شهرهای جهان سوم با خدمات مشترک جهان پیوند دارند و فرهنگ مصرفی به‌عنوان ثروت جدیدی در بسیاری از شهرهای در حال توسعه ظهور کرده، اما بسیاری از شهرهای جهان سوم فاقد چنین پیوندهایی بوده و بنابراین به شدت صدمه دیده‌اند (Meshkini & et. al, 2015: 28)، که در فضای شهر تهران نیز مسئله شکل‌گیری و افزایش مرزهای طبقاتی از شدت بالایی برخوردار بوده است که این خود تا حد قابل توجهی مسائل و مشکلات فراوانی را سبب شده است و برنامه‌ریزی‌ها برای فضای شهر را تا حد قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده است. وجود و توسعه این مرزهای طبقاتی در فضای شهر تهران که یکی از واقعیت‌های فضایی این شهر است باید به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر ساماندهی فضای پایتخت در نظر گرفته شود. بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است که مرزهای طبقاتی موجود در فضای شهر تهران به صورت کلی مورد شناسایی قرار گیرد و تأثیر آن بر ساماندهی پایتخت بیان گردد.

پیشینه پژوهش

با مطالعه روند تکامل علوم، متوجه می‌شویم که این روند مرحله به مرحله صورت گرفته و کارهای انجام شده در گذشته، در حقیقت اساس و زیر بنای تحقیقات جدید بوده‌اند. بنابراین، یکی از خصیصه‌های پژوهش علمی توجه به کارهای پیشینیان است. این کار سبب می‌شود که پژوهشگر از دوباره کاری در تحقیق پرهیز نماید و به جای اتلاف وقت به تکمیل یافته‌های گذشتگان بپردازد. مزیت دیگر اطلاع از کارهای صورت گرفته مربوط به موضوع تحقیق این است که پژوهشگر می‌تواند با مراجعه به آن‌ها اطلاعات خود را بالا ببرد و با دیدی وسیع به موضوع مورد تحقیق بنگرد. بررسی منابع و تحقیقات انجام گرفته مبین این امر است که تحقیقات خیلی کمی در زمینه حاضر صورت گرفته است. بر این بنیاد، از آنجا که، ساماندهی و برنامه‌ریزی برای سرزمین طبق توانمندی‌های آن و تنظیم

رابطه انسان و سرزمین و فعالیت‌های انسان در سرزمین در راستای یکپارچه‌سازی و عدالت سرزمینی است. در این بین امروزه شناخت جوامع انسانی و تفاوت‌های اقشار مختلف ساکن در شهر در راستای برنامه‌ریزی فضای شهری اشغال شده توسط طبقات اجتماعی مختلف حائز اهمیت می‌باشد. از این رو می‌توان به چند پیشینه‌ای که در ارتباط تنگاتنگ با موضوع پژوهش باشد اشاره نمود؛

جدول ۱: خلاصه پیشینه مطالعاتی پژوهش

Table 1: Summary of Research Study Background

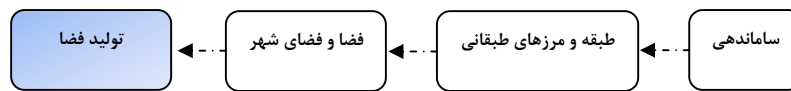
ردیف	پژوهشگر	توضیحات
۱	(زهره احمدی پور و مصطفی قادری حاجت، ۱۳۹۴)	در کتابی با عنوان «ساماندهی و آمایش سیاسی فضای شهری» که توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است به نقل از هاروی بیان می‌کنند که شهر پدیده‌ای فضایی - سیاسی و یک واقعیت پویا و پیش رونده در تاریخ زیست بشر است. در فصل اول کتاب با عنوان هستی‌شناسی و ماهیت شهر، به تعریف مفاهیمی مانند شهر، شهرک، شهرهای جدید و فضای شهری که مدخلی است برای شناسایی سلسله مراتب و شبکه‌های شهری (شهرهای کوچک، شهرهای میانی، کلان شهرها، مادر شهرها و شهرهای جهانی» پرداخته و در فصل دوم نیروهای اثرگذار بر پویایی فضای شهری بررسی می‌شود. در فصل سوم به نظریه‌های جغرافیای سیاسی شهر پرداخته است و در فصل چهارم با عنوان ابعاد سیاسی و اداری شهر موضوعاتی مانند سیستم مدیریت شهری (نهادهای مدنی، شوراها، حکومت، شهرداری‌ها) را مطرح می‌کند. فصل پنجم کتاب با عنوان اصول و روش‌های ساماندهی سیاسی فضای شهری ناظر بر چرایی و چگونگی ساماندهی فضای شهری است.
۲	(یاشار ذکی و همکاران، ۱۳۹۳)	در مقاله‌ای با عنوان «نقش مدیریت سیاسی فضا در برنامه‌های توسعه شهری؛ با تأکید بر ایران» که در هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک به چاپ رسیده بیان می‌کند که فضای کالبدی شهر به‌عنوان بستر فرم فیزیکی جامعه از محتوا یا جریان‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر تأثیر می‌پذیرد و یا سازماندهی فیزیکی بر آن تأثیر می‌گذارد. در همین ارتباط برنامه‌ریزی توسعه شهری که نقطه شروع در فرآیند مدیریت سیاسی فضای شهری به‌شمار می‌رود از اهمیت بسیار بالایی در جغرافیای سیاسی برخوردار است و این پژوهش به تحلیل و بررسی مدیریت سیاسی فضا در برنامه‌های توسعه شهری ایران می‌پردازد.
۳	(محمدی و ...)	در مقاله‌ای با عنوان «سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت محله‌های ...»

ردیف	پژوهشگر	توضیحات
	همکاران، (۱۳۹۲)	شهری با استفاده از معادله رگرسیونی چند متغیره (مطالعه موردی: محله‌های شهر اصفهان)، به بررسی سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت محله‌های شهری اصفهان پراخته و به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل مؤثر بر مطلوبیت محله‌ها، «آرامش و امنیت محیطی، شبکه معابر مناسب و امنیت عمومی محله» است.
۴	(غلامحسین یوسفی بهلولی احمدی، ۱۳۸۸)	در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی اثرات تقسیمات سیاسی بر ساختار فضایی شهر بجنورد» که در دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ارائه شده، در این پژوهش به بررسی اثرات تقسیمات سیاسی در سال ۱۳۸۳ که منجر به شکل‌گیری استان خراسان شمالی به مرکزیت شهر بجنورد شد می‌پردازد و بیان می‌نماید که بعد از آن تغییر و تحولات زیادی در فضای شهر بجنورد به وقوع پیوست. در بخش دوم پایان‌نامه مبانی نظری، مفاهیم سازماندهی سیاسی فضا و در بخش سوم سیر تاریخی سازماندهی سیاسی فضا در ایران را بررسی می‌نماید. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش روش توصیفی تحلیلی است و نتایج حاصله از یافته‌های پژوهشگر بیانگر این است که بودجه شهرداری بین سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۰ به بیش از ۱۲۰۰ برابر افزایش یافته است. در این پایان‌نامه ما شاهد آن هستیم که اثرات تقسیمات سیاسی و آمایشی باعث آن شده تا تغییر و تحولات شگرفی در فضای شهری صورت گیرد.

با مطالعه معدود پیشینه مرتبط با پژوهش زمینه‌ای صورت گرفت تا در پژوهش حاضر به جای اتلاف وقت نویسندگان اطلاعات خود را بالا ببرند و با دیدی وسیع به موضوع مورد تحقیق بنگرند. از این جهت نوآوری پژوهش حاضر در مقابل سایر پژوهش‌ها آن است که پژوهش حاضر اولین تحقیق علمی در زمینه مرزهای طبقاتی مانعی بر ساماندهی فضای شهر می‌باشد که نگارندگان به دلیل آنکه شهر تهران پایتخت ایران بوده و مرزهای طبقاتی در آنجا نمود و شکاف بیشتری دارد، به‌عنوان مکان مورد پژوهش خود انتخاب نموده‌اند. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر سعی بر آن است که در پایان ارائه مدلی مفهومی نو در زمینه عوامل زمینه‌ساز و مرزهای طبقاتی مانع ساماندهی فضای شهر تهران ارائه شود. بر این بنیاد این موضوع به صورت کلی به دنبال مرزهای طبقاتی شکل گرفته در فضای شهر تهران بوده و رویکرد جدیدی است که در ایران به تازگی و به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است.

چهارچوب مفهومی پژوهش

بر اساس سوابق و پیشینه پژوهش و همچنین به دلیل اینکه پژوهش حاضر آن است که گام به گام پیش رود و مفاهیم مورد نیاز خود را جستار و توضیح دهد. در این بخش به توضیح مفاهیم بسنده شده است تا بتواند راه‌گشای مسئله پژوهش حاضر باشد. از این رو «یکی از بحران‌های شکل گرفته در میان علوم، آشفتگی مفاهیم است. لذا به نظر می‌رسد این آشفتگی در ایران بیشتر از سایر نقاط جهان است. بدین ترتیب منظور از آشفتگی درهم‌تنیده شدن مفاهیم در یکدیگر است که درک مفهوم آن را برای خوانندگان مشکل می‌نماید و زمینه آن را به وجود می‌آورد که هر شخص به تعبیری آن مفهوم را معنی نماید» (Mottaghi & et. al, 2018: 132). بر این مبنا در قسمت تلاش خواهد شد، به صورت بنیانی به مباحث پایه‌ای (ساماندهی، طبقه و مرزهای طبقاتی، فضا و فضای شهر و تولید فضا) که ساختار پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، اشاره شود.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

Figure 1: Conceptual Model of Research (Source: Authors, 2020)

ساماندهی

اصطلاح «ساماندهی» از دو بخش «سامان» و «دهی» پدید آمده که واژه سامان، معانی متفاوتی را داراست. مانند شهر و قصبه، نشان گاه مرزی، ترتیب و اسباب و آرایش، بشایسته، حد و اندازه، آرام و سکون، قدرت و قوت، دولت و ثروت، عاقبت و سرانجام و ... به کار رفت است (Dehkhoda, 1994: 210). در زبان انگلیسی ساماندهی معادل *Improvement* و یا *Arrangement* در معانی بهبود و ترقی، بهسازی، چیدمان و آرایش است. همچنین در فرهنگ لاروس؛ ساماندهی در سه تعبیر به کار می‌رود:

۱- عملی که موجب نظم یک محل می‌شود؛

۲- چیدمان؛

۳- مجموعه قواعدی که برای ارزش‌گذاری و مدیریت بهتر یک مجموعه به کار می‌رود.

باید توجه داشت که این اصطلاح در خصوص فضای شهری شکل گرفته‌ای بکار گرفته‌ای بکار می‌رود که نارسایی‌هایی کارکردی و کالبدی دارد و لذا با قبول وضع موجود، به راه‌حلی اصلاحی جهت سامان محیط کنونی می‌پردازد (Sajadi & Sadeghi, 2008: 11). در تعریف دیگر، مهم‌ترین اهداف ساماندهی، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده و مرزهای مشخص است. زیرا شهروندان می‌خواهند از خدمات موجود در درون فضای شهر به خوبی استفاده کنند. لذا در ساماندهی فضای شهر باید (تسهیل امور و شهروندان) به‌عنوان رکن اصلی آن مد نظر قرار گیرد (Ghorbani Sepehr, 2018: 314). به‌طور کلی ساماندهی فضای یک شهر، عبارت است از، فرایندی که از طریق در پیشگیری راهکارها و برنامه‌ریزی‌ها جهت بهبود و تغییر در کالبد، کارکرد، زیرساخت‌های شهر، بهبود دسترسی، ایجاد رفاه و آسایش و غیره است.

طبقه و مرزهای طبقاتی

امروزه واژه طبقه از اصطلاحات روزمره‌ای است که عده زیادی به کار می‌برند و حتی توافق نظری نانوشته میان بسیاری از مردم در مورد نحوه درک طبقه‌ها وجود دارد: طبقه‌ها به مثابه گروه‌های اجتماعی به طور عمده به لحاظ سلطه بر منابع اقتصادی یا مادی همچون پول و ثروت و دارایی با یک دیگر فرق دارند. بنابراین، با در نظر گرفتن اینکه طبقه به اساسی‌ترین نوع نابرابری در زندگی، یعنی تفاوت در میزان دسترسی مردم به ابزار مادی زندگی، مربوط است، جای شگفتی نیست که این مفهوم، در اکثر بحث‌های مربوط به نابرابری اجتماعی، از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. با وجود این، اگر چه اغلب متفکران اجتماعی می‌توانند در مورد اهمیت مفهوم طبقه توافق نظر داشته باشند. مناقشات و پرسش‌های متعددی در مورد معنی دقیق طبقه و چگونگی بهترین تعریف از آن و اینکه اهمیت واقعی آن در تحلیل جامعی از نابرابری در چیست، باقی می‌ماند (Gerb, 1994: 12). به بیانی دیگر، این مفهوم، نظامی از طبقه‌بندی را توصیف می‌کند که اساس آن، روابط اجتماعی مالکیت و کار است که منجر به ایجاد تفاوت بین گروه‌ها از نظر درآمد و کنترل منابع می‌گردد. طبقه منشأ بیشتر محاسبات نظری سرمایه‌داری است و در تعداد زیادی از نظریات، از این اصطلاح استفاده شده است.

طبقه در مواردی از طریق عوامل سلسله مراتبی، با شاخص‌هایی نظیر درآمد، شان و درجه تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود و جنبه توصیفی بیشتری دارد مثلاً روابط اجتماعی میان طبقات، جزء جنبه توصیفی است و عوامل سلسله مراتبی مانند درآمد و شأن با توجه به تعریف طبقه، در قالب ویژگی‌های مکانی طبقه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیوید هاروی در کتاب خود تحت عنوان عدالت اجتماعی و شهر استفاده از عوامل سلسله مراتبی را در ارتباط با طبقه، در قالب جغرافیا، در نظریه طبقاتی مارکسیستی مطرح نموده است. موارد گوناگونی از روابط طبقاتی وجود دارد؛ مانند این که «طبقه مبتنی بر روابط بازار است» (Safaeipour & Sajadi, 2008: 21-22).

مرزهایی هستند که افراد و گروه‌ها را با سطوح اقتصادی و توسعه‌ای همسان را در کنار یکدیگر قرار داده و آنها را از سایر افراد و گروه‌ها متمایز می‌کنند. این مرزها با توجه به توسعه فرایند جهانی شدن که فرایند کسب ثروت و توسعه را برای برخی افراد و فضاها تا حد قابل توجهی بالا برده است و از سوی دیگر برخی افراد و فضاها را به حاشیه رانده است تا حد قابل توجهی افزایش یافته است. باید توجه داشت که مرزهای طبقاتی در سطوح مختلف فروملی، ملی و منطقه‌ای در جهان معاصر در حال گسترش است. یکی از مهم‌ترین مرزهای طبقاتی در سطح فروملی مرزهای طبقاتی در فضای شهرها است که مهم‌ترین آن در قالب پایین‌شهر و بالاشهر نمود پیدا می‌کند (Hafeznia & Janparvar, 2013: 22). به بیانی دیگر، در شهرها، وقتی که حوزه‌های اجتماعی مشخص گردد موضوع مرزهای طبقاتی میان حوزه‌های اجتماعی مطرح می‌شود. مرزهای طبقاتی به درجه‌ای از جدایی‌گزینی اکولوژیکی افراد، خانواده‌ها و گروه‌های ساکن در شهر اطلاق می‌شود. میزان درک گروه‌های انسانی از منطقه سکونتی همدیگر در حوزه‌های اجتماعی، با عوامل چندی از قبیل عامل اقتصادی، عامل اجتماعی و عامل روانی بستگی دارد. اگر فاصله طبقاتی میان گروه‌های شهری بیشتر باشد در آن صورت برای اعضا یک گروه مشکل خواهد بود که بتوانند خودشان را با گروه دیگر تطبیق دهند اما در صورت وجود فاصله اجتماعی کمتر، گروه‌ها با احساس نزدیکی و عملکردهای مشابه، به تحرک خانواده‌ها در حوزه‌های یکدیگر امکان می‌دهند (Shokouei & Kazemi, 2005: 41-42).

فضا و فضای شهر

در جغرافیا نیز مفهوم فضا، پدیده حاصل از رابطه انسان و محیط و بُن‌مایه اصلی این علم شناخته می‌شود (Soja, 1990: 24). فضا، به شکل‌های مختلف، موضوع کلیدی

جغرافیاست. فضا احتمالاً پراستنادترین واژه‌ای است که به جغرافیا هویت و کانونی وحدت بخش داده است. با این اوصاف، تلاش برای بازتعریف جغرافیا به مثابه علم فضایی به این واژه جایگاه می‌بخشد. بنابراین، دانشوران جغرافیای انسانی و طبیعی هر دو از این واژه مرتباً استفاده می‌کنند، اما از تعریف آن عاجز مانده‌اند و برای بسیاری آن چنان متنوع به نظر می‌رسد که فاقد هر گونه صراحت سودمندی است (Kitchin & Thrift, 2009: 56). از این‌رو، فضا یکی از مفاهیمی است که بیشترین ابهام برای تبیین و مرزبندی آن وجود دارد و همین امر گاه آن را به سوی نوعی درک ناپذیری سوق می‌دهد. دلیل آن است که باید فضا را باید بیش از هر چیز به مثابه مکانی «خالی» و «تهی» در نظر گرفت، جایی که هیچ چیز را در خود جای نمی‌دهد در عین حال، فضا را می‌توان و باید از خلال قابلیت (پتانسیل‌های) حرکت و یا عدم چنین قابلیت‌هایی و چگونگی شکل گرفتن حرکت، جریان و سکون آن درک کرد. هر کالبد با ورود به درون یک فضا به نوعی وادار به اطاعت و تبعیت از آن می‌شود و فضا به نوعی آن را به تملک خود در می‌آورد، تملکی که می‌تواند (و اغلب نیز چنین است) به شکلی دوسویه آید و پیامدهای خاصی را نیز در خود دارد (Jedrej, 2000: 547). بر این مبنا، فضا در ذات خود ماهیتی پیوسته و یکپارچه دارد؛ و این ماهیت در غالب سامانه‌های منطقی، به اجزایی ناپیوسته و از هم گسسته تقلیل می‌یابد (Hillier & Hanson, 1984: 33).

لینچ معتقد است که فضای شهری فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید باهم اختلاط یابند (Lynch, 1972: 109). از نظر مامفورد، دیگر اندیشمند پست مدرن، «فضای شهری نمود اهداف انسان ارگانیک است (Mumford, 1961: 32). امس راپاپورت^۱ فضای شهری را در بردارنده مجموعه‌ای از ارتباطات می‌داند (Rapaport, 1972: 12). از سوی دیگر، لوئیز ورث شهر را ترکیبی از سه متغیر اصلی: اندازه، تراکم و جمعیت ناهمگن و گوناگون تعریف نمود. او نظریه‌ای را مطرح کرد که بر اساس آن هر چه اندازه این سه متغیر بیشتر باشد آن مکان شهری‌تر خواهد بود (GatDiner & Bad 2015: 17). اما هاروی، فضای شهر را محصول فرهنگ می‌داند و معتقد است که فضای شهری از طریق فرایندهای طبیعی نظام یافته است و انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی آن را شکل می‌دهد. فضای شهری

^۱ Amos Rapoport

حامل و آیینه فکر، فرهنگ، طبیعت و منعکس‌کننده طیف اهداف اجتماعی، فناوری، ارزش‌ها و نهادهای انسانی است (Harvey, 1996: 45). در نهایت فضای شهر، فضایی است که شهر را با تمام ویژگی‌هایش در درون خود دارد، شهر با تمام عوامل پدید آورنده و حفظ‌کننده از جمله اجتماعی که در شهر زندگی می‌کند. بر اساس متغیرهای مشخص شده توسط ورث واضح است که نمی‌توان شهر را فقط کالبدی فیزیکی دانست بلکه شهر دارای ابعاد دیگری نیز هست که با توجه به مجموع آن ویژگی‌های در کنار یکدیگر فضای شهری شکل می‌گیرد. همچنین می‌توان گفت فضای شهر، شبکه‌ای درهم تنیده از دازاین‌ها (انسان‌ها؛ شهروندان، مدیران شهری، سرمایه‌داران و اندیشمندان) و نادازاین‌ها (نانسان‌ها؛ رودها، کوه‌ها، خیابان‌ها و ...) می‌باشد و آن قسمت از فضا که این شبکه درهم تنیده از دازاین‌ها و نادازاین‌ها در گُنش و تعامل با یکدیگر نباشند را نمی‌توان فضای شهری دانست. به هر روی باید گفت که فضای شهر شبکه‌ای درهم تنیده از دازاین‌ها و یا شبکه‌ای درهم تنیده از نادازاین‌ها نیست، بلکه شبکه‌ای تنیده از دازاین‌ها و نادازاین‌هاست (Ghorbani Sepehr, 2018: 105).

تولید فضا

فضا تولید می‌شود و سازمان می‌یابد (Brunet, 1996: 123). فضا از نظر اجتماعی طبیعتی دوگانه و در هر جامعه یک هستی دوگانه^۱ دارد؛ بدین معنا که از یک طرف فرد خودش را به فضا مرتبط می‌سازد و خودش را در فضا قرار می‌دهد، هم با بی‌واسطگی و هم با عینیت خودش مواجه می‌شود، خودش را که در مقام سوژه است، در مرکز فضا قرار می‌دهد، خودش را منصوب می‌کند، خودش را اندازه‌گیری می‌کند و از خودش به‌عنوان معیار برای معنا و شکل دادن به فضا استفاده می‌کنند. از طرف دیگر فضا نقش میانجی یا میانجی‌گری دارد: ورای هر سطح و محیط صاف و نیز ورای هر شکل پیچیده و مبهم، آدم می‌کوشد در مقام سوژه فضایی را که در آن حضور می‌یابد، درک کند. این امر فضای اجتماعی را به یک میانجی شفاف که به تنهایی توسط نور، توسط حضورها^۲ و تأثیرها اشغال شده است، تبدیل می‌کند؛ بنابراین از یک طرف، فضا دارای پیچیدگی‌ها، اجسام و اشیاء، مراکز گُنش‌های عصبی و انرژی‌های پرشور، مکان‌های پنهان و نفوذناپذیر است. از

¹ Dual existence

² Presences

طرف دیگر فضا ترتیب مجموعه‌هایی از ایزه‌ها به هم‌پیوستگی جسم‌ها را ارائه می‌کند (Javan & et. al, 2013: 75).

به هر روی به عقیده لوفور انسان‌ها بر اساس نیازهای اجتماعی خود فضای زندگی اجتماعی خویش را ساماندهی می‌نماید.^۱ تولید فضا در دوره‌های تاریخی متفاوت بوده است؛ چرا که تغییر بازیگران، موقعیت‌ها، عملکردها، شیوه‌ی معیشت و ... باعث تغییر در سازماندهی فضا می‌شود. او در تولید فضا و تبدیل آن به مکان‌هایی برای زیست فرهنگی، تجربه تاریخی و زندگی روزمره را دخیل می‌داند. به باور وی در جهان سرمایه‌داری، فضای اجتماعی، در نتیجه‌ی کنش متقابل زندگی روزمره و تقسیم‌بندی‌های شهری تولید می‌شود (Tankis, 2009: 14-23).

بنابراین، هسته نظری تولید فضای لوفور، سه لحظه تولید را شناسایی می‌کند؛ نخست تولید مادی؛ دوم تولید معرفت و سوم تولید معنا. بر این اساس سوژه نظریه لوفور فضای فی‌نفسه [به خودی خود] و یا حتی مرتب کردن و سامان‌دهی ایزه‌ها و مصنوعات مادی در فضا نیست. فضا در معنایی کنش‌گرانه فهم می‌شود که پیوسته تولید و بازتولید می‌شوند. از این‌رو، ایزه‌های تحلیل اجتماعی و سیاسی، فرایندهای کنش‌گرانه تولید است که در زمان رخ می‌دهد.^۲ به‌طور کلی انسان‌ها بر اساس نیازهای اجتماعی خود فضای زندگی خویش را [ساماندهی] می‌کنند. «تولید فضا» در دوره‌های تاریخی گوناگون متفاوت بوده است چرا که تغییر در بازیگران اجتماعی، موقعیت‌ها، عملکردها، شیوه معیشت و ... باعث تغییر در چگونگی سازماندهی فضایی می‌شود. لوفور در تولید فضا و تبدیل آن به "مکان"‌هایی برای زیست فرهنگی، تجربه حافظه تاریخی و زندگی روزمره را دخیل می‌داند (Saghaei & et. al, 2012: 98). به باور لوفور قدرتی که جاری است و جریان دارد قدرتی که از منظر فوکو در صورت‌های مختلف سر بر می‌آورد و از منظر نیچه اراده معطوف به بودنش را به شدن تحمیل می‌کند. او در جهان سرمایه‌داری بر آن است که فضای اجتماعی، در نتیجه کنش

^۱ در نظر لوفور «اندیشه ناب، افسانه صرف است؛ اندیشه ناب برآمده از جهان، برآمده از هستی است، برآمده از هستی مادی و نیز هستی زیست تجربه شده» است.

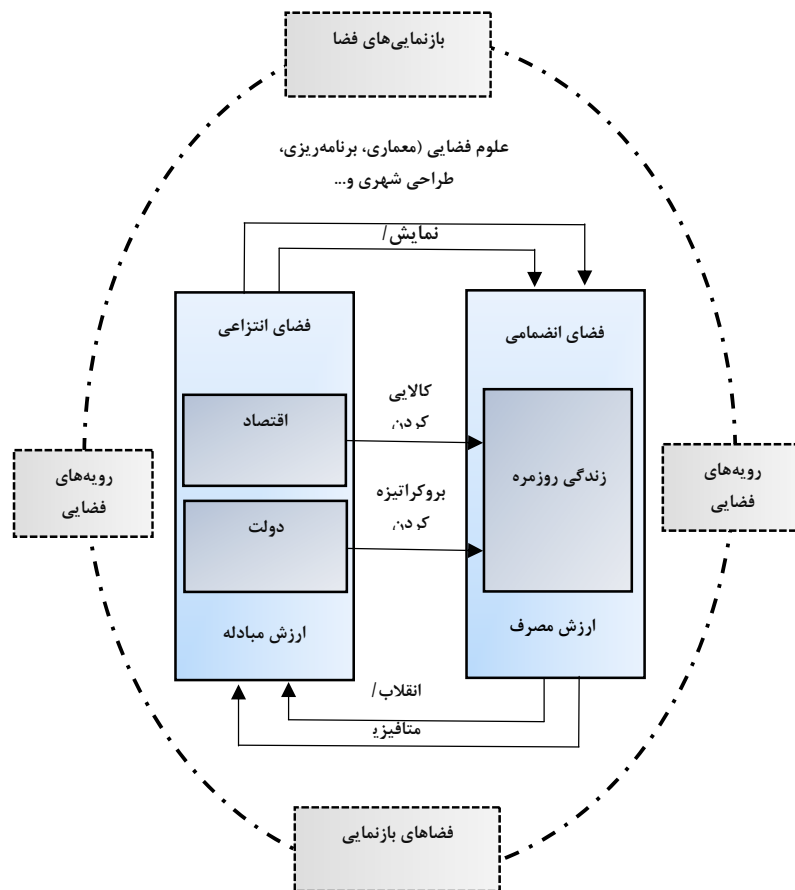
^۲ لوفور به این ترتیب فضای اجتماعی را واجد ویژگی‌های زیر می‌داند:

- فضای اجتماعی، فضای تولید شده را در بر می‌گیرد.
- فضای اجتماعی روابطی را که میان سوژه‌های اجتماعی وجود دارد، دربرمی‌گیرد (Javan & et. al, 2013: 4).

متقابل زندگی روزمره و تقسیم‌بندی‌های شهری تولید می‌شود^۱. بر مبنای نظریه تولید فضا، پژوهشگر باید در صدد درک آثار انسانی و دستاوردهای جامعه‌هایی باشد که چنین فضای را تولید کرده‌اند. در واقع، می‌توان تولید فضا را به مثابه تولید یک متن دانست که به رغم آن همه پیچیدگی نیازمند خوانشی درست و منطقی است (Saghaei & et. al., 2014: 97-98). شکل (۲) ابعاد نظریه تولید فضای لوفور را تحت عنوان چشم قدرت نشان می‌دهد.

این طرح‌واره لوفوری نوعی یگانگی مفهومی بین فضای فیزیکی، ذهنی و اجتماعی خلق می‌کند. برای فهم بهتر فضا نیاز داریم تا امر انتزاعی و انضمامی را با هم و از خلال مناسبات و روابطشان بفهمیم. اگر روابط و نیروهای برسازنده هر یک از وجوه مذکور را در نظر بگیریم و فقط یکی از این‌ها را به مثابه فضای مستقل و فضایی در خود در نظر بگیریم و هر یک را به مثابه امری مطلق بفهمیم، آن‌گاه این حقیقتِ دیالکتیکی و همواره ناتمامِ فضایی که بدین شیوه می‌خواهد تغییر را در نظام فضایی صورت‌بندی کند، خود به اشتباه و دقیق‌تر: به امر وارانه تبدیل می‌شود. به دنبال دریافت اشتباه از وجوه سه‌گانه‌ی فضایی، این چنین با کنار گذاشتن بخشی از محتوا فقط امکان دریافت جداگانه‌ی وجوه و مؤلفه‌های امر واقع و فضایی را فراهم و تشدید می‌کنیم. چنان‌که لوفور مفهوم دولت را به مثابه‌ی انتزاعی واقعیت‌یافته توصیف می‌کند، مفهوم فضا نیز انتزاعی واقعیت‌یافته است. به بیانی دیگر فضا ساختی ذهنی و مادی است. این تعریف به ما امکان می‌دهد تا حالت سوی یعنی روال‌های فضایی - همن فضای زیسته را بین قطب‌های تصور و درک - وجوه انتزاعی و انضمامی بگنجانیم و ربط و نسبت هر یک از سه لحظه را در مقام یک کل بهتر بفهمیم (Yazdaniyan & Dadashpour, 2008: 81). بنابراین، لوفور با این نوآوری از دیالکتیک فضا - زمان سخن می‌گوید و مفهوم فضا را در کانون‌های نظریه اجتماعی و سیاسی معاصر قرار می‌دهد.

^۱ ادوارد سوجا برای تحلیل چرایی باقی ماندن سرمایه‌داری در عصر کنونی و ارتباط علی آن با فضا بیان می‌کند؛ که علت اساسی آن توسعه نابرابر فضایی است که سبب بسط روابط تولید سرمایه‌داری به فضاهای کمتر توسعه‌یافته می‌شود. از این طریق انباشت سرمایه در کشورهای بیشتر توسعه‌یافته رخ می‌دهد (Soja, 1980: 25).



شکل ۲: جریان زندگی روزمره؛ چشم قدرت؛ نظریه تولید فضای لوفور (Gregory, 1994: 401)
Figure 2: The Flow of Everyday Life; Eyes of Power; Lefebvres Theory of Space Production

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کیفی شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های عمل مادی - تفسیری است که جهان را قابل مشاهده می‌سازد. بدین ترتیب این پژوهش از نظر ماهیت از نوع تحقیقات «بنیادی نظری» محسوب می‌شود و از لحاظ چگونگی پردازش و تفسیر یافته‌ها و متناسب با راهبرد

کیفی، از روش پیمایش «توصیفی - تحلیلی» بهره گرفته شده است. بر این بنیاد در این تحقیق سعی شده است علاوه بر تصویرسازی درست از مرزهای طبقاتی در فضای شهرها به تبیین اثرگذاری این مرزها روی ساماندهی فضای شهر تهران بپردازد. لازم به ذکر است که در این تحقیق برای گردآوری و فیش‌برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. همچنین دو پرسش و فرضیه پژوهش به قرار زیر تنظیم شده است.

- چه عواملی زمینه شکل‌گیری مرزهای طبقاتی در فضای شهر تهران شده است؟
- مهم‌ترین مرزهای طبقاتی شکل‌گرفته در فضای شهر تهران کدامند؟

فرضیه‌های پژوهش

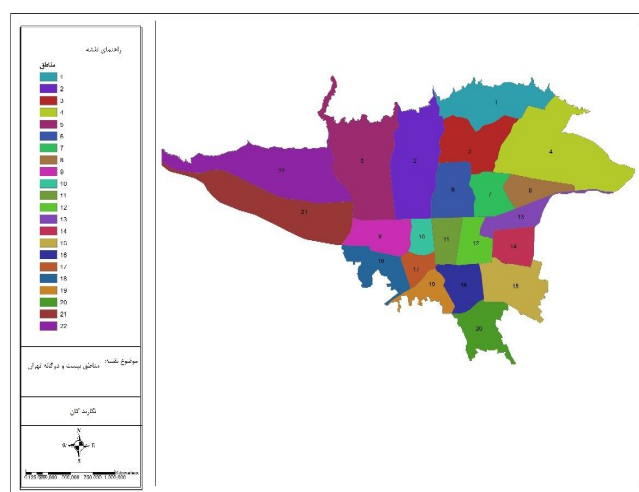
▪ به نظر می‌رسد عواملی از جمله «بی‌عدالتی جغرافیایی، تقویت هویت‌های محلی در برابر هویت ملی، عدم پاسخ‌دهی به نیازهای گروه‌ها و شهروندان و عدم حرکت جهت ایجاد عدالت در فضای شهر» زمینه شکل‌گیری مرزهای طبقاتی در فضای شهر تهران می‌شود.

▪ به نظر می‌رسد مهم‌ترین مرزهای طبقاتی شکل‌گرفته در فضای شهر تهران، «مرزهای طبقاتی ناشی از توزیع درآمد، ناشی از دسترسی و عدم دسترسی به منابع و امکانات، ناشی از عدم توجه به اقشار ضعیف، ناشی از عدم توجه به نیازهای اساسی مردم، ناشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری، ناشی از افزایش جمعیت، ناشی از شکل‌گیری مرکز و پیرامون در فضای شهر، ناشی از محیط یا مبلمان شهری» می‌باشد.

محیط‌شناسی پژوهش

کلان‌شهر تهران با ارتفاع متفاوت از شمال به جنوب (۸۰۰ متر اختلاف ارتفاع) در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی گسترده شده است. بر طبق سرشماری عمومی و نفوس مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت کلان‌شهر تهران در مناطق ۲۲ گانه ۸۱۵۴۰۵۱ با مساحتی حدود ۷۱۶ کیلومتر مربع است. در بین مناطق ۲۲ گانه منطقه چهار با ۸۶۱۲۸۰ نفر و منطقه ۲۲ با ۱۲۹ هزار نفر به ترتیب پرجمعیت و کم جمعیت ترین مناطق شهر تهران هستند (Akbari & Akbari, 2017: 9). کلان‌شهر کانون تصمیم‌گیری کشور و مرکز تجمع بیشترین امکانات در زمینه اقتصادی، صنعتی، خدماتی، آموزشی، تحقیقاتی، اداری و سیاسی در کشور محسوب می‌شود. به دلیل این تمرکز بسیار پیچیده و عظیم در درون بزرگترین کلان‌شهر کشور، حوزه نفوذ و جایگاه تهران تا حدی گسترش یافته که هر گونه

اتخاذ تصمیم و عملکردی را تحت تأثیر خود قرار داده است. ویژگی چند نقشی بودن تهران نیز بر اهمیت آن می‌افزاید. نقش‌های سیاسی، اداری، فرهنگی، خدماتی، صنعتی و اقتصادی همه بر اهمیت این شهر افزوده و باعث تأثیرگذاری بیشتر این شهر بر نقاط دیگر گردیده است. با توجه به پیوستگی امنیت تهران به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران با امنیت ملی و پایداری نظام، برنامه‌ریزی برای تأمین امنیت و پیشگیری از عدم پایداری و بحران، امری اساسی و حیاتی برای کشور به نظر می‌رسد. به‌عبارت دیگر، امروزه کلان‌شهر تهران با در بر گرفتن یک چهارم جمعیت شهرنشین کشور، مهم‌ترین قطب جمعیتی کشور است. تهران با توجه به نظام متمرکز سیاسی - اداری، مقر کلیه نهادهای تصمیم‌گیرنده و مدیران عالی‌رتبه بوده و نقش اصلی را در مدیریت سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور ایفاء می‌کند. لذا بروز ناپایداری‌های امنیتی در تهران می‌تواند امنیت ملی را در عرصه‌های گوناگون به مخاطره اندازد (Rahnamaei, 2006: 181).



شکل ۳: موقعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

Figure 3: Location of 22 Districts of Tehran

یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش به بررسی دیدگاه‌ها مرتبط با مرزهای طبقاتی در فضای شهر می‌پردازیم و سپس مبتنی بر دیدگاه‌های مطرح شده مرزهای طبقاتی شکل‌گرفته در

فضای شهر تهران را تشریح می‌نماییم و در نهایت اهمیت و جایگاه مرزهای طبقاتی در ساماندهی فضای شهر تهران را بیان می‌کنیم.

دیدگاه‌های مرتبط با مرزهای طبقاتی در فضای شهر

دیدگاه‌های مرتبط با عدالت اجتماعی

نابرابری افراد از لحاظ ثروت، قدرت و شأن اجتماعی، با وجود شباهت استعدادهایشان واقعیت انکارناپذیر در همه جوامع بوده است. وانگهی هیچ ارتباط معناداری میان نابرابری در ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادهای طبیعی وجود نداشته است. بنابراین؛ دفاع از این نابرابری‌ها و یا نفی آنها موضوع بحث اصلی عدالت را تشکیل می‌دهد (*Bashiraei & Asadi, 2010: 36*). از نظر برایان بری نظریه عدالت اجتماعی نظریه‌ای است که درباره نوع ترتیبات اجتماعی بوده و قابل دفاع باشد. وی معتقد است در حالی که عدالت اجتماعی یک مفهوم بسیار وسیع است، اغلب توجه بر روی توزیع درآمد و سایر منابع مرتفع‌کننده نیاز مردم است که به شرایط مادی جمعیت بستگی دارد (*Barry, 1989: 3*). جان رالز^۱ که از نظریه‌پردازان علوم سیاسی بود در سال ۱۹۷۱ تئوری عدالت را مطرح نمود. تئوری جان رالز به رغم اینکه موضوع گسترده و نتیجتاً انتقاد برانگیز بود ولی هنوز تا حد بسیار زیادی نفوذ خود را در برخی از مباحث اخیر عدالت اجتماعی حفظ کرده و همچنین در طرح یک چارچوب نظری در خصوص «نیاز انسان» مؤثر بوده است (*Johnston & et. al, 1994: 546*).

رالز با لحاظ نمودن دو اصل موقعیت عادلانه خود را ارائه می‌دهد: اول بهره‌مندی از آزادی حداکثر تا حدی که به آزادی دیگران لطمه وارد نسازد؛ دوم اینکه نابرابری را در حدی می‌پذیرد که به منافع طبقه کم در آمد جامعه لطمه‌ای وارد نسازد بنابراین، وی معتقد است که سیاست‌های اجتماعی بایستی بر حسب تأثیر بر فقیرترین اعضای جامعه مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر بایستی اقداماتی انجام پذیرد که طی آن سود فقرا بر منافع ثروتمندان ترجیح داده شود (*Smith, 1996: 787*).

دیوید هاروی، به‌عنوان اولین جغرافی‌دانی که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار گرفت، در تحلیل اصول عدالت اجتماعی سه معیار مهم

^۱ John Ralz

«نیاز»، «منفعت عمومی» و «ناستحقاق» را مطرح می‌کند و معتقد است این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند که معیارهای دیگر را در بر می‌گیرد (Hataminejad, 2009: 47). هاروی بر جنبه‌های اخلاق‌گرایانه جغرافیا در خصوص تأمین عدالت اجتماعی و رسالت جغرافی‌دانان در تأمین عدالت فضایی تأکید دارد (Harvey, 1969: 3-8).

تئوری طبقاتی «ملی‌باند» در خصوص دولت، بر اساس این ادعا پایه‌گذاری شده است که طبقه حاکم در یک جامعه سرمایه‌داری همراه با برگزیدگان جامعه که امور دولت را اداره می‌کنند نظیر کارمندان عالی رتبه، قضاوت و فرماندهان ارتش در تمایلات فرهنگی شرکت می‌جویند. از این‌رو دولت به صورت وسیله‌ای دلخواه در دست طبقه حاکم عمل کرده، توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت را موجب شده و از برتری ایدئولوژی سرمایه‌داری و قدرت سیاسی را حفاظت می‌کند (Ziari, 2007: 66). که مبتنی بر این ناعدالتی زمینه برای ایجاد و توسعه مرزهای طبقاتی بین شهروندان ایجاد می‌گردد.

در مجموع مبتنی بر نظرات و دیدگاه‌های فوق شاید بتوان یکی از شاخص‌ترین اصول بنیادین الهی و انسانی حاکم بر مناسبات شهروندی در حوزه تعاملات اجتماعی را اصل عدالت دانست (Sinaei & Ahmadvand, 2008: 185). به بیانی دیگر، عادلانه بودن مناسبات اجتماعی، مناسبات حاکم بر نظام شهری و تعاملات آنان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شهر اسلامی مطلوب به شمار می‌آید که موجب صیانت شهرها، دیرپایی، پویایی و دوام شهرها می‌گردد. اما بررسی این مؤلفه در جامعه ما به‌عنوان یک جامعه اسلامی نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت‌های فاحش اجتماعی - اقتصادی و پیدایش سکونتگاه‌های زیر استاندارد و گسترش خوش‌نشینی، تفاوت‌های فضایی شهرها تشدید شده است (Hataminejad, 2009: 71). به طوری که در شهرها تعداد محدودی از محلات در رفاه و آسایش بوده و در مقابل سایر ساکنان مناطق شهری از رفاه و آسایش قابل قبولی برخوردار نیستند (Roustaei & et. al, 2012: 17). بر این مبنای گسترش عدم توزیع متعادل درآمد، منابع مورد نیاز افراد، اولویت منافع ثروتمندان بر فقرا، عدم تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم، پیوند بین قدرت سیاسی و توسعه طبقه حاکم و غیره به صورت‌های مختلف در فضای شهرها می‌تواند زمینه ایجاد و توسعه مرزهای طبقاتی در فضای شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها را فراهم آورد.

دیدگاه‌های مرتبط با عدالت جغرافیایی و فضای شهر

عدالت به مثابه آرمان اجتماعی و حکومتی از منظر مفهومی و کاربردی گسترده تعارض و کشمکش صاحب نظر و قدرت بوده است. مهم‌ترین مسئله در جستار عدالت، نقد مناسبات نابرابر جامعه یا همان بی‌عدالتی جغرافیایی است. نابرابری در ثروت، قدرت، دانش، منزلت اجتماعی، برخورداری از فرصت‌ها که اغلب نمود فضایی دارند (با وجود همسانی در استعدادهای فردی) واقعیت کمابیش موجود بیشتر جوامع بوده است. از آنجا که رابطه معناداری در میان نابرابری ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادهای طبیعی وجود ندارد پرداختن به نابرابری‌ها و نفی آنها بن‌مایه جستار عدالت به‌شمار می‌رود (Hafeznia & Kaviani Rad, 2004: 240). بر این مبنا، بی‌عدالتی جغرافیایی که حالت مقابل عدالت جغرافیایی است به صورت‌های مختلف می‌تواند در فضای شهرها ایجاد شده و زمینه ایجاد یا توسعه مرزهای طبقاتی در فضای شهرها را به وجود آورند. از سوی دیگر مهم‌ترین آثار بی‌عدالتی جغرافیایی که سبب کاهش به نتیجه رسیدن ساماندهی فضای شهرها می‌شود را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

بی‌عدالتی جغرافیایی و کاهش همبستگی در فضای شهرها: باید توجه داشت که بی‌عدالتی جغرافیایی از راه تضعیف انسجام فضایی، می‌تواند بر انسجام جامعه و انسجام ملی اثرگذار باشد. به بیانی دیگر، وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه ناموزون بخش‌های جغرافیایی فضای شهر ممکن است موجب آسیب همبستگی در فضای شهر شده و توسعه و ساماندهی فضای شهرها را با مشکل مواجه سازد (Ebrahimzade & et. al, 2012: 217). به نحوی که، بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه، بر کاهش نابرابری‌های موجود و رفع دوگانگی‌ها به‌عنوان یکی از اهداف اساسی تأکید دارند. نبود توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف شهر موجب ایجاد شکاف و تسریع نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه (Zarabi & Tabrizi, 2011: 3) و ساماندهی فضای شهر است.

بی‌عدالتی جغرافیایی و امنیت در فضای شهر: امنیت در سطوح مختلف با عدالت جغرافیایی رابطه مستقیم دارد چنان‌که نابرابری‌های فضایی، اقتصادی و رفاهی، به‌ویژه در فضای شهرها می‌توانند شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی، هویتی و سیاسی را عمیق کنند و نارضایتی را تغذیه کنند و چنانچه محرومیت نسبی حاشیه‌ها و عدم برخورداری آنها از امکانات با عدم رسیدگی به مشکلات آنها همراه گردد می‌تواند زمینه‌ساز ناامنی گردد. بدیهی است تداوم چنین مسائلی می‌تواند به شکاف و فاصله بین مناطق مختلف در فضای شهر را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر باید توجه داشت که میان خشونت و عقب‌افتادگی

اقتصادی یا بی‌عدالتی جغرافیایی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فقر بلای حال هر سیستم مدیریتی در فضای شهرها و عامل ناپایداری و بی‌ثباتی است. البته محرومیت که زمینه‌ساز فعالیت‌های خشونت‌آمیز است تنها جنبه اقتصادی ندارد و سایر بخش‌های سیاسی، فرهنگی، شهروندی و ... را نیز در بر می‌گیرد. به نحوی که با افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی - اجتماعی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، بهبود نیافتن وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و غیره اشاره کرد. بنابراین، می‌توان گفت بی‌عدالتی جغرافیایی تحركات خشونت‌آمیز را فراهم آورده و ساماندهی فضای شهرها را با مشکل مواجه می‌سازد.

بی‌عدالتی جغرافیایی و عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های مکانی و فضایی: بی‌عدالتی جغرافیایی در فضای شهرها به صورتی زمینه توزیع نامناسب سرمایه‌ها، امکانات و غیره را فراهم آورده و این عدم توزیع مناسب باعث می‌شود که مکان‌ها و فضاهایی که از امکانات کمتری برخوردار هستند ظرفیت‌های آنها مورد استفاده قرار نگیرد و بلااستفاده باقی بماند.

بی‌عدالتی جغرافیایی و تقویت هویت محلی در برابر هویت ملی: شکل‌گیری و افزایش بی‌عدالتی جغرافیایی در فضای شهرها به‌ویژه در کلان‌شهرها و پایتخت‌های ملی که از همه گروه‌های قومی و مذهبی در آن قرار دارند به صورت‌های مختلف زمینه تشدید هویت محلی در برابر هویت ملی در قالب پررنگ شدن مرزهای قومیتی را فراهم آورده و از این طریق هویت ملی با چالش و مشکل ایجاد شده و مسائل و مشکلات گسترده‌ای در زمینه اتحاد ملی، امنیت ملی و غیره را فراهم آورده و ساماندهی فضای شهرها را با مشکل مواجه می‌سازند.

به‌صورت کلی باید گفت، منظور از بی‌عدالتی فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات و قدرت در فضا است که در اینجا منظور فضای شهری است. نابرابری‌های فضایی در فضای شهر موجب می‌شود استفاده بهینه از فضا به عمل نیاید. استفاده غیر بهینه از فضا زمینه تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق شهر را فراهم می‌کند، سبب تضعیف انسجام و هویت ملی و جامعه می‌شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به‌ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌کند، و توزیع بهینه جمعیت در فضای شهر را غیر ممکن می‌کند. به‌طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین نابرابری به اساس وحدت ملی آسیب می‌رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبه‌رو می‌سازد (Hafeznia & Ghaderi Hajat, 2014:133). به بیانی دیگر، در زمینه بی‌عدالتی جغرافیایی و ساماندهی فضای شهرها باید

گفت، گسترش بی‌عدالتی جغرافیایی در فضاهاى شهری زمینه شکل‌گیری و پررنگ شدن مرزبندی‌های طبقاتی را در شهر فراهم آورده و به صورت‌های مختلف ساماندهی و برنامه‌ریزی جهت توسعه فضای شهر را با مشکل و چالش مواجه می‌سازد.

دیدگاه‌های مرتبط با بوم‌شناختی جرایم در فضای شهری

یکی از مسائل و مشکلات فضای شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها که به صورت‌های مختلف ساماندهی فضای شهرها را با مشکل مواجه می‌سازد جرایم شهری است. میزان جرایم شهری با گسترش شهر در ارتباط است. به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرایم نیز افزایش می‌یابد. بررسی میزان جرایم از فصول مهم بوم‌شناسی اجتماعی است. در بوم‌شناسی شهری به هنگام مطالعه انواع جرایم دو نظریه بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد.

الف) نظریه تأکید بر مکان ویژه و بخش مرکزی شهرها که در آن میزان جرایم بیش از سایر مناطق شهری است و به موازات دور شدن از بخش مرکزی شهر از میزان جرایم کاسته می‌شود، این دیدگاه در پاره‌ای موارد قابل انتقاد است چرا که هم اکنون میزان جرایم شهری در حومه‌های برخی از کشورها برابر میزان جرایم بخش مرکزی گزارش می‌شود.

ب) نظریه محیط مساعد که در جستجوی یافتن ارتباط میان محیط زندگی مساعد جهت ارتکاب انواع جرایم است. در این نظریه همه شرایط محیطی در رابطه با انواع جرایم مورد بررسی قرار می‌گیرد و تأکید بر مناطق ویژه‌ای چون بخش مرکزی شهرها چندان مورد توجه نیست (Kozegar Kaleji & Nouri, 2013: 136).

نظریه تکثرگرایی

در نظریه تکثرگرایی هیچ گروه معینی از نظر سیاسی، اقتصادی و قومی بر دیگر گروه‌های جامعه مسلط نیست، یعنی قدرت سیاسی و اقتصادی بین گروه‌های جامعه از طریق رقابت دموکراتیک توزیع می‌شود. تکثرگرایی با برقراری سلطه از سوی یک گروه بر کل جامعه مخالف است. در این نظریه قدرت بیشتر به زیر سیستم‌های سیاسی و حکومت‌های محلی داده می‌شود. نقش عمده این نظریه تعادل‌بخشی در قدرت و اینکه دولت‌ها به‌عنوان مشاور و تنظیم‌کننده رقابت‌ها در منافع گروهی عمل می‌نمایند. سلطه سرمایه‌داران بزرگ باعث تحركات جمعیتی و سازمان‌یابی مجدد فضایی در جامعه

پلورالیستی اروپا و آمریکا گردیده است (Ziari, 2004: 68). حرکت مبتنی بر این نظریه در راستای ایجاد تعادل و نزدیکی بین گروه‌های مختلف در فضای شهرها است.

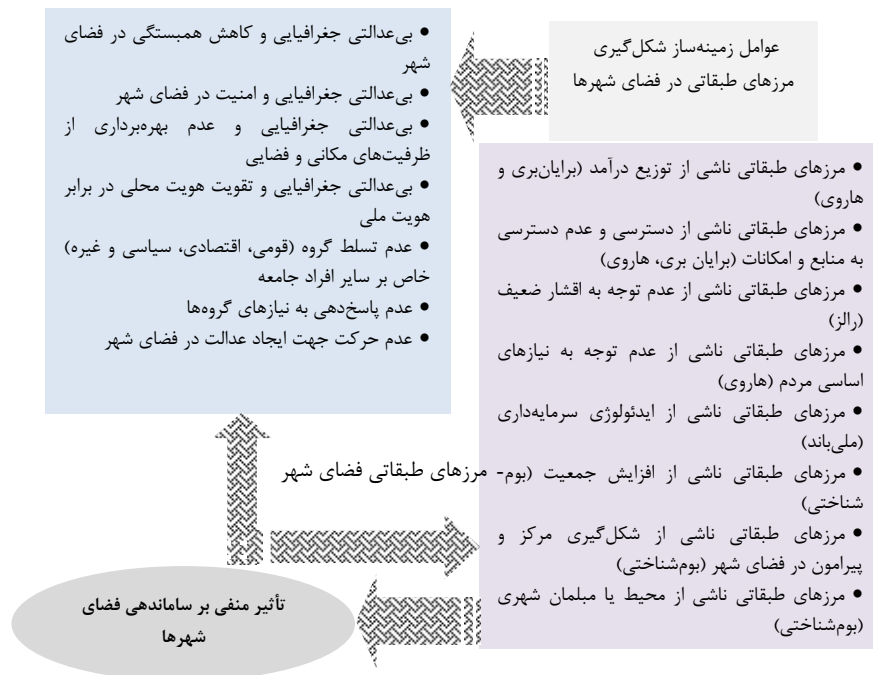
مدل‌های مناسبات برنامه‌ریزان با گروه‌های اجتماعی

اولین مدل، برنامه‌ریزان شهری به صورت تصمیم‌گیرنده و راهنما عمل می‌کنند. تصمیمات و کارکردهای آن‌ها اثرات تعیین‌کننده‌ای بر سیاست‌های شهری دارد. سازگاری این مدل زمانی در جامعه شهری تحقق می‌یابد که مردم شهر بر اساس تفکرات برنامه‌ریزان برای پذیرش فضای جدید شهری آمادگی داشته و آموزش کافی کسب کرده باشند. این مدل در واقع تحمیل ارزش‌های ناشناخته به گروه‌های اجتماعی شهرهاست. در مدل دوم، برنامه‌ریز به‌عنوان یک مشاور برای برطرف کردن نیازهای مطرح شده از طرف گروه‌های اجتماعی عمل می‌کند. از این مدل گاهی با عنوان «برنامه‌ریزی حمایت‌گر» نام برده می‌شود. موضوع قابل تأمل در این مدل این است که چون نیازهای انسانی یک مقوله اجتماعی است و این نیازها با گذشت زمان تغییر می‌کند، برنامه‌ریزی استراتژیک ممکن است با مشکلاتی مواجه شود. در مدل سوم، مناسبات متقابل برنامه‌ریزان و گروه‌های اجتماعی با توجه به نیازهای گروه‌های مختلف شهری، مبنای هرگونه برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد. در این مدل برنامه‌ریزان به پایگاه اقتصادی و میزان قدرت گروه‌های اجتماعی در شهر توجهی ندارند، چون هدف آنها برطرف کردن نیازهای همه گروه‌های اجتماعی در جامعه شهری است (Shokouei & Kazemi, 2005: 31-32). این نظریه حرکت جهت از بین بردن مرزهای طبقاتی را نادیده می‌گیرد و تنها سعی در جهت برطرف کردن نیازهای فضایی مبتنی بر چارچوب مرزهای طبقاتی در فضای شهرها است.

برنامه‌ریزی اجتماعی و مرزهای طبقاتی

برنامه‌ریزی اجتماعی عبارت است از فرآیند هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در برنامه‌هایی که جنبه رشد و تعالی انسانی دارد و یا موجبات بهزیستی انسان را فرآهم می‌آورد. در برنامه‌ریزی اجتماعی بخش‌هایی نظیر: ارشاد، آموزش و پرورش، بهداشت، تأمین اجتماعی، مسکن و اوقات فراغت مورد بررسی قرار می‌گیرند (Ziari, 2007: 31). به نحوی که، در دهه ۱۹۷۰ جغرافیای شهری نقش اول را به عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی داده، هدف و اعتبار علمی مطالعات، تنها در راه بهبود بخشیدن به محیط زندگی انسان و تأمین رفاه اجتماعی او معنی پیدا می‌کند (Shokouei & Kazemi, 2005: 14)؛ مبتنی

بر این دیدگاه برنامه‌ریزی اجتماعی حرکت جهت کاهش و برطرف کردن مرزهای طبقاتی در فضای شهر است. اما با نگاهی کلی به نظریه‌های بیان شده در زمینه فضای شهرها می‌توان ماهیت وجود مرزهای طبقاتی در فضای شهرها را به صورت کامل شناخت. هر یک از این نظریه‌ها به نوعی یا تلاش جهت کم‌رنگ کردن و از بین بردن مرزهای طبقاتی را در پیش گرفته‌اند و یا اینکه سعی دارند که در چارچوب وجودی این مرزهای طبقاتی نیازهای شهروندان را در فضای شهرها را برطرف نمایند که همه آنها بر وجود این نوع مرزبندی‌های در فضای شهرها در اشکال مختلف تأکید می‌کنند. در مجموع می‌توان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مرزهای طبقاتی در فضای شهرها و مهم‌ترین این مرزهای طبقاتی که به صورت‌های مختلف بر ساماندهی فضای شهرها تأثیرگذار می‌باشند که برگرفته از نظریه‌ها، دیدگاه‌های بیان شده در بالا است را می‌توان در قالب شکل ۴ نشان داد.



شکل ۴: چگونگی شکل‌گیری مرزهای طبقاتی و ساماندهی فضای شهر (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

Figure 4: How to Form Class Boundaries and Organize the City Space

مرزهای طبقاتی فضای شهر تهران

امروزه کلان‌شهر تهران دارای مسائل و مشکلات متعددی است که سبب شده است که ظران و مسئولین در تکاپوی حل و فصل آنها راهکارها و برنامه‌های متعددی را در پیش گیرند. یکی از این راهکارها ساماندهی فضای شهر تهران است. از جمله عوامل مؤثر بر ساماندهی شهر تهران به نظر می‌رسد وجود مرزهای طبقاتی متعدد و رو به پر رنگ‌تر شدن است که فضای شهر تهران را به صورت‌های مختلف به طبقات مختلف تقسیم کرده است و مشکلات متعددی را نیز سبب گردیده است که باید در ساماندهی فضای شهر در نظر گرفته شود. برای اینکه بتوان ساماندهی فضای شهر تهران را مبتنی بر مرزهای طبقاتی بررسی کرد، نیاز به بررسی مرزهای طبقاتی مستخرج از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در فضای شهر تهران است. این مرزهای طبقاتی به صورت ذیل است.

- مرزهای طبقاتی ناشی از توزیع درآمد

مفهوم رتبه اجتماعی در قالب اختلاف طبقاتی که ناشی از ثروت مادی ساکنین است می‌تواند شاخصی جهت بیان رتبه‌های طبقاتی باشد. بنابراین، رتبه اجتماعی که بر اساس این شاخص‌هاست یکی از ابعاد مهم ساختار مسکن شهری در مطالعات عوامل بوم‌شناسی به کار برده می‌شود (Safaeipour & Sajadi, 2008: 14). به بیانی دیگر فقر، درآمد سرانه، توزیع درآمد، تورم و ... از جمله شاخص‌های اقتصادی هستند که می‌توان تأثیرات متفاوتی بر سلامت شهری بگذارد. میان فقر و سلامت، ارتباطی به صورت دور تسلسل باطل وجود دارد. وجود فقر باعث تشدید عدم سلامت شهری خواهد شد و عدم سلامت باعث تشدید فقر خواهد شد. از سویی، درآمد به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه انسانی است که این شاخص به‌عنوان جدیدترین نمایانگر رفاه جوامع استفاده می‌شود.

در این خصوص، نگرانی‌های مالی و ماندگاری در تأمین درآمد، موجب پایین آمدن شاخص‌های توسعه، از جمله امید به زندگی، سلامتی روانی و ... می‌شود که زمینه‌ساز کاهش رفاه اجتماعی است. در بررسی مقوله امنیت و ماندگاری کسب درآمد، پاسخ‌های مشخصی از اطلاعاتی سرشماری حاصل نمی‌شود، اما با استفاده از اطلاعات موجود در سطحی که امکان آن وجود دارد شهروندان تهرانی از منظر شغلی بررسی شده‌اند. بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت فعال تهران ۲۸.۳ درصد از کل جمعیت این شهر را تشکیل می‌دهد و در همه مناطق تهران جمعیت غیر فعال بیش از نیمی از جمعیت فعال

است. بر اساس آمار ارائه شده از کل نیروی کار فعال در تهران تعداد ۶.۱ درصد بیکار و یا جویای کار هستند. به ترتیب مناطق: ۱۵ با ۸۲۷۲ نفر، ۴ با ۷۳۵۰ نفر و ۲ با ۶۲۶۳ نفر دارای بیشترین تعداد بیکاران و مناطق ۲۲ و ۲۱ و ۱ دارای تعداد کمترین بیکاران هستند (Mohammadzade & et. al, 2010: 97).

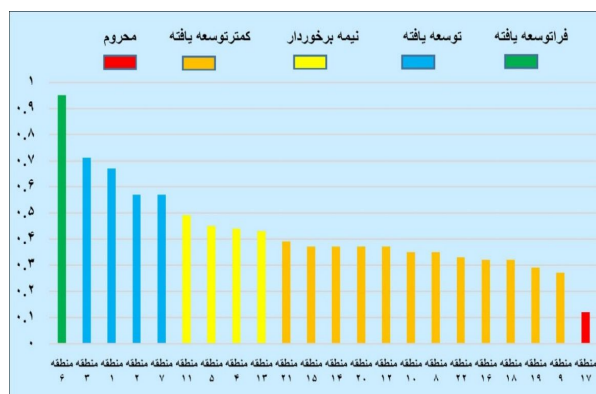
- مرزهای طبقاتی ناشی از عدم توجه به نیازهای اساسی مردم (بهداشت)

آخرین گزارش UNDP حاکی از تبعیض‌های بیشتر در زمینه امکانات بهداشتی است. در واقع گزارش نشان می‌دهد که این تبعیض رو به افزایش است. به راحتی می‌توان دید که قدرتمندترین مردم هر کشوری از بهترین شرایط اجتماعی، زیست‌محیطی و بهداشتی برخوردارند. حتی با نگاه دقیق‌تر می‌توان دریافت که در هر شهری افراد صاحب قدرت از امید زندگی بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند. تصور عده‌ای بر این است که توسعه شهری دارای یک مکانیسم منحرف یا یک فاز نادرست است که باعث می‌شود موفقیت‌های اقتصادی و امکانات بهداشتی تنها در اختیار عده معدودی قرار گیرد. شواهد نشان می‌دهد که این یک تصور غلط است که بگوییم فرآیند توسعه شهری در این دنیا در حال توسعه و درازمدت می‌تواند ثروت و بهداشت را برای اکثریت جامعه به ارمغان بیاورد. پایتخت‌ها و شهرهای مهم دنیا با تفاوت‌هایشان مورد توجه قرار می‌گیرند، تفاوت در میزان دسترسی افراد، خانواده‌ها و جوامع به خدمات، منابع، فرصت‌ها و مهم‌تر از همه کیفیت زندگی. در حقیقت هنگام بررسی زندگی شهرنشینی به موارد زیادی بر می‌خوریم که نشان‌دهنده تبعیض‌های بهداشتی بین مردم است که قبلاً تحت‌الشعاع موضوع شهرنشینی و زندگی روستایی قرار گرفته بود اما در حال حاضر آشکار شده است و تفاوت بین فقیر و غنی در یک شهر، در سطح یک کشور و بین کشورهای مختلف مشهود است (Pag, 2005: 174-176). این موضوع که ایجاد کننده مرزهای طبقاتی دسترسی به بهداشت در فضای شهرها است در شهرهای کشورهای جهانی سوم به‌ویژه کلان‌شهرها مانند شهر تهران تا حد قابل توجهی برجسته است.

- مرزهای طبقاتی ناشی از دسترسی و عدم دسترسی به منابع و به امکانات (خدماتی و رفاهی)

امروزه، اساسی‌ترین عامل در جدایی‌گزینی اکولوژیکی در شهرهای اروپایی، عامل پایگاه طبقاتی خانواده‌هاست که با معیارهای شغلی و میزان درآمد تعیین می‌شود. تا آنجا

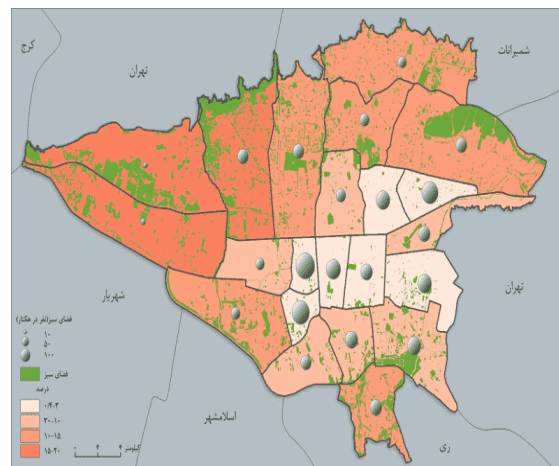
که پایگاه شغلی خانواده‌ها به خیابان‌ها نیز اطلاق می‌شود: خیابان کارگران چرم‌سازی، خیابان رنگ‌رزان و خیابان سراجان از آن جمله‌اند. چنین نام‌هایی بیانگر محل کار صنعت‌گران اروپایی است اما در همان حال نشانگر محل زندگی آنها نیز می‌باشد (Shokouei, 2005: 151) که به صورت‌های مختلف بر دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی در فضای شهر برای افراد تأثیرگذار می‌باشد. در فضای شهر تهران مبتنی بر معیارهای درآمد و شغل افراد دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی نیز متفاوت است. توزیع نامتعادل سرانه‌های خدماتی و کاربری‌های رفاهی در مناطق ۲۲ گانه تهران، باعث تفاوت معنادار در میزان برخورداری ساکنان محله‌های مختلف پایتخت از سرانه‌های شهری شده و به «فرصت نابرابر» شهروندان در استفاده از امکانات دامن‌زده است. تحقیقات یک تیم دانشگاهی درباره نوع و نحوه دسترسی پایتخت‌نشینان به امکانات و خدمات پراکنده در سطح شهر که براساس سنجش ۳۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی، تفریحی و ... انجام شده است، نشان می‌دهد فقط ۲۳ درصد از جمعیت تهران در محله‌های توسعه‌یافته زندگی می‌کنند که در پنج منطقه حائز بیشترین رتبه توسعه‌یافتگی به ترتیب شامل مناطق شش، سه، یک، دو و هفت ساکن هستند. در مقابل، ۶۰ درصد مناطق تهران دارای کمترین سطح رفاه و توسعه هستند (شکل ۵).



شکل ۵: رتبه‌بندی مناطق ۲۲ گانه تهران بر اساس میزان سطح رفاه و برخورداری از امکانات و خدمات شهری

Figure 5: Ranking of 22 Districts of Tehran Based On the Level of Welfare and Having Urban Facilities and Services

از سوی دیگر باید توجه داشت که، بیشترین مشکلات سلامت روان، متعلق به کلان‌شهرهاست که طبق آمارها مشکلات سلامت روان بیش از ۲۰ درصد آنان را تشکیل می‌دهد. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است که در سال ۲۰۲۰، افسردگی شایع‌ترین بیماری را در سطح دنیا به خود تخصیص می‌دهد. بنابراین، ضرورت توجه به برنامه‌ریزی‌های کلان در خصوص سلامت روانی شهر، از مهم‌ترین دغدغه‌های کلان‌شهرهای دنیاست. وجود فضای سبز در شهرها، یکی از مواردی است که می‌تواند باعث ارتقای سلامت روانی شهروندان باشد (Mohammadzade & et. al, 2010: 93). شکل زیر سرانه فضای سبز شهری را در هر ۱۰۰۰ نفر در شهر تهران نشان می‌دهد که به صورت کلی خود نمایان‌گر وجود مرزهای طبقاتی در دسترسی افراد به فضای سبز در سطح شهر تهران است.



شکل ۶: سرانه فضای سبز شهری در تهران به تفکیک مناطق

Figure 6: Per Capita Urban Green Space in Tehran by Regions

- مرزهای طبقاتی ناشی از محیط مبلمان شهری

مبلمان شهری واژه‌ایست ترکیبی و جامع؛ شامل وسایل و امکاناتی که با عملکردها و کارکردهای مختلف در خیابان و فضای شهری نصب می‌شود. این وسایل، ابزار و تسهیلاتی هستند مانند: پل عابر پیاده، انواع نشیمن، راهبند، صندوق پست، باجه تلفن، چراغ‌های

خیابانی، ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس، تجهیزات ترافیکی، سطل‌های زباله، سرویس‌های بهداشتی، آب‌نما، نمادها و نشانه‌ها، تابلوهای راهنما، پیکره‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی، تجهیزات بازی کودکان و ...

امروزه مبلمان به بخش مهمی از هویت شهری و گفتمان ملی فرهنگ شهرهای مختلف تبدیل شده است، زیرا مبنای تفکر طراحی و ساخت و ساز آنها بر اساس هنر، معماری و فرهنگ هر ملت شکل می‌گیرد. این تجهیزات، جریان حرکت، سکون، تفریح و اضطراب را در شهر تنظیم می‌کنند و به آن روح می‌بخشند. بنابراین، ساماندهی و توسعه مبلمان شهری توسط مدیران مسئول، افراد حرفه‌ای و طراحان متخصص، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای انسانی و افزایش رضایت استفاده‌کنندگان موجب شکل‌دهی منطقی محیط، و زیبایی فضای شهر خواهد شد.

بنابراین، زیبایی هر شهر علاوه بر رفع نیازهای روحی و روانی، هویت شهری را تحکیم می‌بخشد. در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، زیباسازی فضاهای شهری به‌عنوان عنصر کیفیت بخش محیط زندگی، یکی از اهداف منظر شهری و از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که بستر نوآوری و خلاقیت‌های هدفمند را پدیدار می‌سازد. از آنجایی که جلوه هر شهر علاوه بر شرایط محیطی با الهام از باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های دینی و ملی صورت یافته و در اشکال مختلف متجلی می‌شود، در شهر تهران به جهت ضعف در وحدت رویه و خلاء سیاست‌های کلان و ضوابط مناسب، درک عمومی مردم از شهر ایرانی - اسلامی و هویت آن دچار خدشه شده و ارزش‌های دیرپای معماری و شهرسازی ایرانی کم‌رنگ گردیده است. در این بین، فقدان سندی که با نگاه راهبردی و با رویکرد هویت اسلامی - ایرانی تمامی عرصه‌های مربوط به زیباسازی شهر را همراه با ارتباطات و تعامل با سازمان‌های دیگر از سطح کلان تا خرد تحت پوشش قرار دهد، و بر گنجینه هویتی و فرهنگی/آیینی این مرز و بوم تکیه داشته باشد، ملموس است. سند زیباسازی شهر تهران که در چارچوب اهداف «سازمان زیباسازی شهر تهران» و در راستای اعاده هویت معماری و شهرسازی سنتی و اسلامی در شهر تهران تهیه خواهد شد، بر پایه اصول پایداری و از طریق بازشناسی موارد کیفی فضاهای شهری و رصد پتانسیل‌های طبیعی شهر، الگوهای مناسبی را برای رسیدن به کیفیت مطلوب و اثرگذار در عرصه‌های عمومی شهر هماهنگ با شبکه زیرساختی و با تکیه بر مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی (کالبدی و غیر کالبدی) ارائه می‌نماید. همچنین در این سند، محورهای اصلی برنامه‌ها و مأموریت‌های سازمان زیباسازی در مقوله‌هایی چون مبلمان شهری، هنرهای شهری، فضاهای عمومی،

پیاده‌رو و پیاده‌راه، نشانه‌ها و هویت بصری، طبیعت شهری، نماهای شهری، راهکارهای افزایش و بهبود تعاملات و مشارکتهای اجتماعی و توجه به نیازهای اقشار مختلف شهروندان به‌ویژه کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد و در عین حال، ضوابط کلی منطقه‌ای که موجب احراز هویت می‌شود و از هرج و مرج بصری جلوگیری می‌کند را با همکاری نهادهای ذیربط و هماهنگی با مدیریت کلان شهری ارائه می‌نماید (*Tehran Research and Planning Center, 2006: 28*). با وجود ارائه این سند راهبردی برای میلمان شهری تهران، نگاه و گذری ساده در فضای شهر تهران نشان‌دهنده توزیع نابرابر آن در فضای این شهر است.

- مرزهای طبقاتی ناشی از شکل‌گیری مرکز و پیرامون در فضای شهر (حاشیه‌نشینی)

حاشیه و حاشیه‌نشینی یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر در شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها است. که به صورت‌های مختلف زمینه ایجاد مرزهای طبقاتی بین ساکنین شهر و ساکنین حاشیه‌نشین فراهم آورده است. «در حال حاضر یک میلیارد نفر حاشیه‌نشین در جهان وجود دارد که تبعات حضور این تعداد، عدم دسترسی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر به امکانات بهداشتی، محرومیت ۱۲۱ میلیون کودک شامل ۶۵ میلیون دختر و ۵۶ میلیون پسر از تحصیل، بی‌سوادی ۵۷۵ میلیون زن، عدم دسترسی ۵۰ درصد زنان کشورهای در حال توسعه به مامای تخصصی و پزشک، دسترسی تنها ۱۴ درصد زنان به کرسی‌های پارلمانی و وجود ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه است» (*Bashiraei & Asadi, 2010: 32*). از سوی دیگر باید توجه داشت مسئله حاشیه‌نشینی باعث افزایش گرایش به مادی‌گرایی، کجروی، بی‌عاطفه‌گی و بروز بزهکاری می‌گردد. از آنجا که در شهرها افراد شناختی از یکدیگر ندارند و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است، نابهنجاری‌های اجتماعی در شهرها بیشتر زمینه بروز پیدا می‌کنند. به گزارش آمارهای انتشاریافته از سوی برخی مؤسسات جرم‌شناسی، میزان خشونت در شهرها ۳/۵ درصد بیشتر است (*Kozegar Kaleji & Nouri, 2013: 130*). در این میان، کلان‌شهر تهران نیز از مسائل حاشیه‌نشینی تا حد قابل توجهی بی‌نصیب نبوده است. وجود مناطق حاشیه‌نشین به صورت‌های مختلف زمینه برای حرکت جهت ساماندهی مناسب فضای شهر تهران را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. برای اینکه بتوان در امر ساماندهی فضای شهر تهران موفق بود باید معضل حاشیه‌نشینی را در این شهر از بین برد که یکی از راه‌ها کاهش یا از بین بردن مرزهای طبقاتی شکل گرفته بین شهر و این مناطق است.

- مرزهای طبقاتی ناشی از طبقه مردم

یکی از عوامل مؤثر بر این توسعه جرم تفکیک محلات بر حسب طبقه مردم است. تفکیک محلات در فضای شهر بر حسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد که ظاهراً طبیعی است (اما در واقع پیامد بی‌عدالتی در جامعه است) صورت می‌گیرد و باعث نارضایتی اقشار به حاشیه رانده شده جامعه می‌شود و به صورت فانوشکنی چنین افرادی نمود پیدا می‌کند. در این صورت حاشیه‌نشینان زندگی و اشتغال در بخش غیر رسمی را نوعی اعتراض بر علیه نظام نابرابر می‌دانند (Kozegar Kaleji & Nouri, 2013: 130).

- مرزهای طبقاتی ناشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری
- مرزهای طبقاتی ناشی از حضور گروه‌های قومی - مذهبی
- مرزهای طبقاتی ناشی از سبک زندگی
- مرزهای طبقاتی ناشی از افزایش جمعیت

اهمیت و جایگاه مرزهای طبقاتی در ساماندهی شهر تهران

شهرها پدیده‌های جغرافیایی پیچیده‌ای هستند. این پیچیدگی با تغییرات صورت گرفته در دهه‌های اخیر به ویژه بعد از فرایند جهانی شدن افزایش چشمگیری یافته است، به نحوی که نمی‌توان با استفاده از حوزه‌های مطالعاتی موجود همه مسائل مربوط به مطالعات شهر را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. جایگاه و اهمیت شهرها در طی دهه‌های اخیر تا حدی افزایش یافته است که آنها را به یکی از بازیگران اصلی در عرصه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده است (Janparvar, 2014:14). در این میان پایتخت‌ها از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار می‌باشند. نگاهی کلی به فضای شهر تهران نشان‌دهنده آن است که در اغلب نواحی جغرافیایی، رفتارها، نگرش‌ها، عقاید اجتماعی و سیاسی مردم شهر، تحت تأثیر محله مسکونی، نوع اشتغال، سن و ساخت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها قرار می‌گیرد. چنانکه در امر انتخابات، آرای مردم به احزاب سیاسی نیز از شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی فضای شهر تأثیر می‌پذیرد. آسیب‌شناسی اجتماعی نیز ابعاد دیگری از رابطه مستقیم فضای زندگی، حوزه اجتماعی و رفتارهای انسانی را روشن می‌سازد؛ میان کیفیت و مسکن و رفتارهای انسانی نظیر خودکشی، نارسایی‌های روانی، الکلیسم، میزان طلاق، انحرافات و کج‌روی‌ها و بالاخره مرگ و میر کودکان رابطه مستقیمی وجود دارد. روشن است که کیفیت مسکن و غیر استاندارد بودن آن نیز بازتابی از شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها می‌باشد. میزان مرگ و میر کودکان، کیفیت تسلط امراض در خانواده‌ها در ارتباط با متغیر فقر، ثروت، کیفیت مسکن،

شرایط بهداشت و درمان عمل می‌کند. بدین‌سان که میزان در آمد خانواده‌ها، سهولت دسترسی به پزشک و درمان را امکان‌پذیر می‌سازد و از مرگ و میر اعضای خانواده‌ها می‌کاهد (Shokouei, 1997:120). در شهر تهران حرکت به سمت قطبی شدن است، یعنی فرایندی از نابرابری در شهر تهران در جریان است که طبقات بالا و پایین جامعه از نظر توزیع درآمد و ثروت رشدشان سریع‌تر از طبقه متوسط است و در نتیجه کاهش طبقه متوسط منجر به افزایش دو طبقه ثروتمند و فقیر می‌شود (Safaeipour & Sajadi, 2008: 31). این حرکت و تغییرات جهت قطبی شدن در فضای شهر تهران به صورت‌های مختلف مرزهای طبقاتی در فضای این شهر را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد و به صورت‌های مختلف مسائل و مشکلات متعددی را فراهم می‌آورد. حرکت جهت ساماندهی شهر تهران در راستای اهداف توسعه عدالت، کاهش مسائل و مشکلات و غیره با وجود این مرزهای طبقاتی قابل دستیابی نیست و زمانی می‌توان به این مهم دست یافت که بتوان مرزهای طبقاتی در اشکال مختلف آن را در فضای شهر تهران تا حد قابل توجهی کاهش داد.

بحث و نتیجه‌گیری

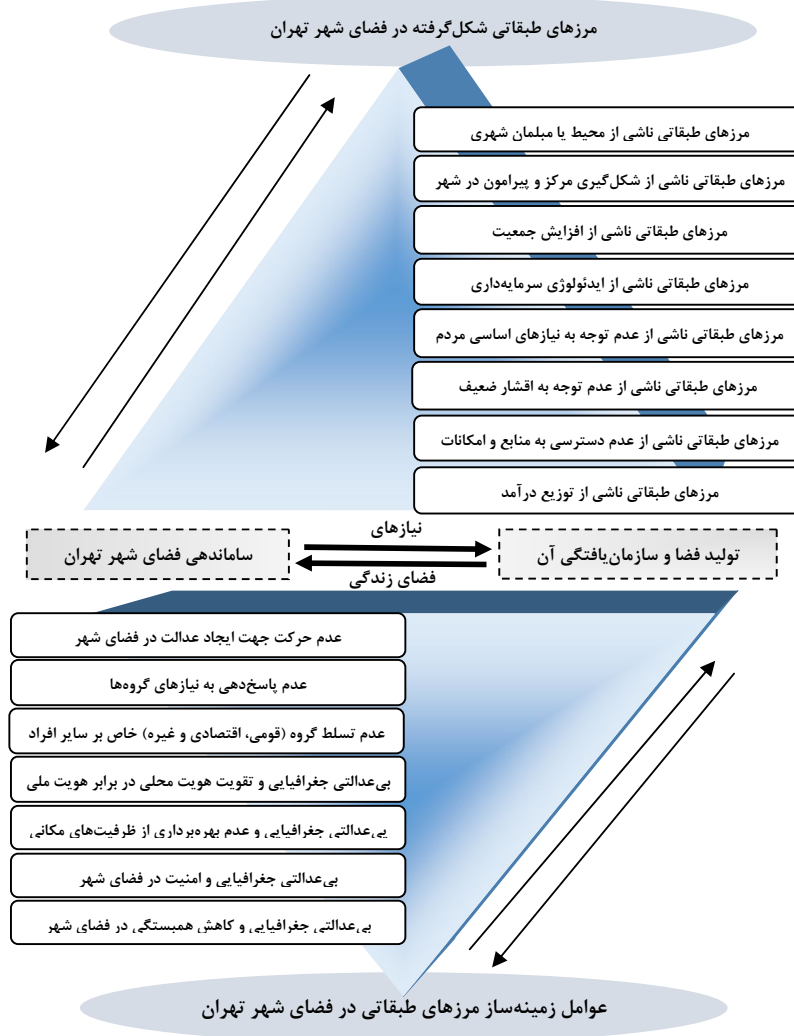
شهرها از جمله فضاهای جغرافیایی هستند که در طی تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر به کانون‌های اصلی حضور و تجمع جمعیت تبدیل شده است و از سوی دیگر نقش آفرینی و بازیگری گسترده‌تری نسبت به گذشته کسب کرده‌اند. این افزایش جمعیت و گسترش فضایی زمینه‌ساز برخی مسائل و مشکلات در فضای شهرها به‌ویژه در کلان‌شهرها بوده است. این مسائل و مشکلات به صورت‌های مختلف ساماندهی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری را با مشکل مواجه کرده‌اند. در میان این عوامل مؤثر بی‌عدالتی اجتماعی، بی‌عدالتی جغرافیایی، تسلط گروه خاص بر سایر گروه‌ها، عدم پاسخ‌دهی به نیازهای اساسی مردم و غیره به صورت‌های مختلف زمینه ایجاد و توسعه مرزهای طبقاتی در فضای شهرها را فراهم آورده است. هر چند وجود مرزهای طبقاتی در جوامع مختلف از پدیده‌های کاملاً قدیمی است و جوامع را به گروه‌های مختلف در طول دوره‌های تاریخی به‌ویژه در فضای شهرها تقسیم می‌کرده است. با تغییرات و تحولات صورت گرفته در طی دهه‌های اخیر ناشی از جهانی‌شدن و ورود به عصر اطلاعات، که به صورت‌های مختلف زمینه قطبی شدن سرمایه و توسعه و غیره را به همراه داشته است مرزهای طبقاتی به‌ویژه در فضای شهرها تا حد قابل توجهی پررنگ‌تر شده است و برنامه‌ریزی و ساماندهی فضای شهرها را تا حد قابل توجهی تحت تأثیر خود قرار داده است. به نحوی که بدون توجه به

این مرزبندی‌ها در فضای شهرها، ساماندهی امکان‌پذیر نیست. باید توجه داشت، شهرها و فضای شهری در کشورهای جهان سوم ناشی از جهانی‌شدن و غیره تأثیرات گسترده‌تری را تجربه کرده و مرزهای طبقاتی در فضای آنها برجسته‌تر از سایر کشورها است. در این میان شهر تهران به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران از جمله فضاهای شهری است که مرزهای طبقاتی متعدد و پرننگی را در خود جای داده است. بررسی کلی نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین این مرزهای طبقاتی عبارتند از:

- مرزهای طبقاتی ناشی از توزیع درآمد
- مرزهای طبقاتی ناشی از دسترسی و عدم دسترسی به منابع و امکانات
- مرزهای طبقاتی ناشی از عدم توجه به اقشار ضعیف
- مرزهای طبقاتی ناشی از عدم توجه به نیازهای اساسی مردم
- مرزهای طبقاتی ناشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری
- مرزهای طبقاتی ناشی از افزایش جمعیت
- مرزهای طبقاتی ناشی از شکل‌گیری مرکز و پیرامون در فضای شهر
- مرزهای طبقاتی ناشی از محیط یا مبلمان شهری

از آنجا که، ساماندهی و برنامه‌ریزی برای سرزمین طبق توانمندی‌های آن و تنظیم رابطه انسان و سرزمین و فعالیت‌های انسان در سرزمین در راستای یکپارچه‌سازی و عدالت سرزمینی است. که در این بین امروزه شناخت جوامع انسانی و تفاوت‌های اقشار مختلف ساکن در شهر در راستای برنامه‌ریزی فضای شهری اشغال شده توسط طبقات اجتماعی مختلف حائز اهمیت می‌باشد و این نکته در شهر تهران به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. زیرا وجود مرزهای طبقاتی متعدد در فضای شهر تهران که در برخی از بخش‌ها نیز با هویت‌های قومی نیز آمیخته است تا حد قابل توجهی بر برنامه‌ریزی و ساماندهی فضای شهر تأثیرگذار می‌باشد و عدم نظر گرفتن این مرزبندی‌ها آسیب‌های قابل توجهی را در پی خواهد داشت این آسیب‌های می‌تواند زمینه ایجاد ناامنی، عدم مشارکت، واگرایی و غیره را در فضای شهر تهران سبب شود. در مجموع باید گفت، یکی از ملاحظات مهمی که در برنامه‌های جهت ساماندهی شهر تهران باید مد نظر قرار گیرد، مرزهای طبقاتی رو به افزایش و پرننگ‌تر شدن در فضای شهر است که مسائل و مشکلات متعددی را در فضای شهر به وجود می‌آورد و از سوی دیگر به عدم دستیابی به اهداف سایر برنامه‌ها در فضای شهر تهران تأثیرات گسترده‌ای دارد. بنابراین، یکی از وجوه مشخص جهت ساماندهی شهر تهران توجه به مرزهای طبقاتی در فضای شهر است، که باید تلاش شود به صورت‌های مختلف آنها را کم‌رنگ‌تر و در برخی از موارد از بین برد تا

بتوان به اهداف مد نظر جهت کاهش مسائل و مشکلات موجود در فضای شهر تهران دست یافت.



شکل ۷: عوامل زمینه‌ساز مرزهای طبقاتی؛ مانع ساماندهی بهینه فضای شهر تهران (مأخذ:

نگارندگان، ۱۳۹۹)

Figure 7: Factors Underlying Class Boundaries; Obstacle to the Optimal Organization of the Space of Tehran

در نهایت اینکه امرزه انسان‌ها در فضای شهرها بر اساس نیازهای اجتماعی خود فضای زندگی اجتماعی خویش را ساماندهی می‌نماید. از این‌رو، تولید فضای شهری در دوره‌های زمانی و از جایی به جای دیگر متفاوت است و بستگی بسیاری به کنشگران و کنش‌های ارتباطی شکل گرفته در آن فضای شهری دارد که تا چه میزان این کنش‌ها زمینه سامان و یا نابسامانی فضای شهری را فراهم آورد. بر این بنیاد حرکت جهت ساماندهی کلان‌شهر تهران در راستای اهداف توسعه عدالت، کاهش مسائل و مشکلات و ... با وجود این مرزهای طبقاتی قابل دستیابی نیست و زمانی می‌توان به این مهم دست یافت که بتوان مرزهای طبقاتی در اشکال مختلف آن را در فضای شهر تهران تا حد قابل توجهی کاهش داد و همچنین عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری مرزهای طبقاتی در فضای شهر تهران را شناسایی و در پی آن کمرنگ نمود.

به‌طور کلی به هر میزان که در فضای شهر تهران بی‌عدالتی جغرافیایی وجود داشته باشد به همان اندازه احساس رضایت شهروندان از فضای زندگی خود پایین آمده که زمینه شکل‌گیری بالای شهر، مرکز و پیرامون (حاشیه شهر) شده است. همچنین به هر اندازه که بی‌عدالتی جغرافیایی در فضای شهر تهران وجود داشته باشد به همان اندازه امنیت در پایین (حاشیه شهر تهران) پایین آمده و مرزهای طبقاتی پررنگ‌تر به چشم می‌آید که شوراها محلی به‌عنوان متولیان این امور باید در جهت ساماندهی این امر برآیند تا بتوان فضایی به سامان در کلان‌شهر تهران به منظور زیست شایسته شهروندان ایجاد نمایند. در بیان دیگر مدیران شهری به اندازه‌ای در فضای شهر تهران بی‌برنامه عمل کرده‌اند که بهره‌برداری شایسته‌ای از تمام فضاهای آن به درستی استفاده نشده است. به گونه‌ای که از ظرفیت‌های مکانی بالای شهر به‌طور کامل در جهت نشاط ساکنان بالای شهر بهره‌گرفته‌اند و آن‌گونه که پیداست هیچ‌گونه بهره‌برداری از ظرفیت‌های مکانی و فضایی پایین شهر تهران صورت نگرفته است که این زمینه نالندگی و بازندگی ساکنان شهر تهران را بیش از پیش فراهم ساخته است. شایان ذکر است که با بررسی‌ها صورت گرفته در فضای شهر تهران آنچه نمایان است، از سوی مسئولین هیچ حرکتی در جهت ایجاد عدالت در فضای شهر تهران استراتژی درستی ارائه نشده است و ساکنان پایین شهر تهران از مرزهای طبقاتی شکل گرفته در فضای شهر تهران احساس رضایت نداشته و همین امر زمینه از بین رفتن احساس تعلق آنان به این شهر را فراهم می‌آورد و زمینه ناامنی در کلان‌شهر تهران می‌شود. لذا اگر عدالت آن‌گونه که شایسته است در فضای شهر تهران شکل نگیرد تا یک دهه آینده مرزهای طبقاتی در فضای شهر تهران به اندازه‌ای پررنگ خواهد شد که

پیامدهای امنیتی بسیار ناگواری را بر نوع سکونت در فضای شهر تهران خواهد داشت که از سوی مسئولان و متولیان شهری باید چاره‌اندیشی صورت گیرد تا بتوان تا حد امکان مرزهای طبقاتی شکل‌گرفته در فضای شهر تهران را کمرنگ نمود و یا از بین برد.

در نهایت زمانی که در حال حاضر فضای شهر تهران در دست سرمایه‌داران قدرتمند قرار دارد و اختیار عمل از شهروندان و تا حدودی مدیران شهری گرفته شده است و آنها نقشی در سرونشت شهر ندارند، عملاً فضای جریان‌های شهری تأثیر خود را از سرمایه‌داری می‌پذیرد و مرزهای طبقاتی در آن شکل می‌گیرد و پررنگ می‌شود. لذا شهروندان با در اختیار داشتن استقلال (قدرت تصمیم‌گیری)، آزادی (عدم مانع در تصمیم‌گیری) و منابع (وجود امکانات حداقلی جهت رسیدن به رفاه) می‌توانند سرمایه‌داری را از شهرها بیرون رانده و روابط بین‌انسانی را بر پایه همکاری و مشارکت، برابری و عدالت برقرار نمایند و فضای شهر را مجدد تولید و مرزهای طبقاتی را کمرنگ نمایند.

References:

- Ahmadipour, Z. & Ghaderi Hajat, M. (2015). "Organization and political organization of urban space", Tehran: Samat Publications. (Persian).
- Ahmadipour, Z. & Ghanbari, A. & Hafeznia, M. (2010). "The Impact of the Model of Country Divisions on the Development of Geographical Space (Case Study: Zanzan Province)", Quarterly Journal of Spatial Planning and Planning, 14(4). (Persian).
- Akbari, I. & Akbari, M. (2017). "Structural-Interpretive Modeling of Factors Affecting the Viability of Tehran Metropolis", Quarterly Journal of Spatial Planning and Planning, 21(1). (Persian).
- Bashiraei, H. & Asadi, H. (2010). "The role of social deprivation and its harms", Sepehr Quarterly, 18(71). (Persian).
- Brunet, R. (1996). "Building Models for Spatial Analysis", special issue in English, geography and anthology, CNRS, Paris.
- Dehkhoda, A. A. (1994). "Dehkhoda Dictionary", Vol. 13, Tehran: University of Tehran Press. (Persian).
- Ebrahimzadeh, I. Mir Najaf, M. & Kazemizad, S. (2012). "Spatial Analysis of Regional Inequalities between the Border and Central Regions of Iran", Geopolitical Quarterly, 8(1).
- GatDiner, M & Bad Lesi. (2015). "Key Concepts in Urban Studies", Mashhad: Ketabdar Touss Publications. (Persian).
- Gerb, E. (1994). "Social Inequality: Perspectives of Classical and Contemporary Theorists, translated by Ahmad Reza Azavizad and Mohammad Siahpoosh", Tehran: Contemporary Publishing. (Persian).
- Ghorbani Sepehr, A. (2018). "Explaining the concept and realm of political geography of urban space", Master Thesis in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature and Humanities. (Persian).
- Gregory, D. (1994). "Geographical Imaginations", Oxford: Blackwell.

Hafeznia, M. R. & Ghaderi Hajat, M. (2014). "Spatial Injustice and Human Hazards (Case Study: Sistan and Baluchestan Province)", *Dangerous Knowledge Quarterly*, 1(2). (Persian).

Hafeznia, M. R. & Janparvar, M. (2013). "Borders and Globalization (with a brief look at Iran's borders)", Tehran: Institute for Strategic Studies Publications. (Persian).

Hafeznia, M. R. & Kaviani Rad, M. (2004). "New Horizons in Political Geography", Tehran: Samat Publications. (Persian).

Harvey, D. (1996). "Justice", *Nature & the geography of Difference*, Blackwell.

Hatimejad, H. (2009). "Analysis of Social Inequality in Access to Carbide Climate Services (Case Study: Isfahan)", *Quarterly Journal of Human Geography Research*, 43(70). (Persian).

Hezar Jaribi, J. & Safari Shali, R. (2012). "Anatomy of Social Welfare", Tehran: Society and Culture Publications. (Persian).

Hillier, B and Hanson, J. (1984). "The Social logic of Space", Cambridge University Press, Cambridge.

Janparvar, M. & Ghorbani Sepehr, A. (2017). "Urban Geopolitics", First Edition, Tehran: Iran Geopolitical Association Publications. (Persian).

Janparvar, M. (2014). "Conceptualizing and Explaining the Dimensions of the Political Geography of the City", Tehran: 7th Congress of the Geopolitical Association of Iran. (Persian).

Javan, J. & Dalil, S. & Salmani Moghadam, M. (2013). "The Dialectic of Lefebvre Space", *Journal of Geographical Studies of Dry Areas*, 3(12). (Persian).

Jedrej, M.C. (2000). "Time and Space, in Barnard", A. Spencer, Jonathan.

Kitchin, R. and Thrift, N. (2009). "International Encyclopedia of Human Geography", UK: Elsevier.

Kozegar Kaleji, L. A, Nouri, S. (2013). "Identification of Urban Crisis Centers with Emphasis on Insecure Urban Areas Using Geographic Information System (Case Study: Sanandaj, Districts 6 and 7)", *Journal of Disciplinary Geography*, 1(3). (Persian).

- Lynch, K. (1972). "The Openness of Open Space", Arts of Environment Aidan Ellis.
- Meshkini, A. Hatami Nejad, H. & Mahdennejad, P. (2015). "Creative City", Tehran: Arad Publications. (Persian).
- Mohammadi, M, Shahivandi, A & Izadi, A. (2013). "Assessing the effective factors on the desirability of urban neighborhoods using multivariate regression equation (Case study: Isfahan neighborhoods)", Spatial Planning Research Journal, 3(3). (Persian).
- Mohammadzadeh Asl, N, Imamvordi, G & Sarirafraz, M. (2010). "Ranking of Urban Welfare Indicators in Different Areas of Tehran", Quarterly Journal of Urban Research and Planning, 1(1). (Persian).
- Mottaqi, A, Janparvar, M. & Ghorbani Sepehr, A. (2018). "A New Perspective on Redefining the Geopolitical Concept of Peace", Quarterly Journal of International Relations, 8(1). (Persian).
- Mottaqi, A, Janparvar, M. & Ghorbani Sepehr, A. (2018). "A New Perspective on Redefining the Geopolitical Concept of Peace", Quarterly Journal of International Relations, 8(1). (Persian).
- Mumford, L. (1961). "City in history", New York, Harcourt , Brace and World. (Persian).
- Noor Ali Vand, A. & et. al. (2015). "Urban Sociology", Tehran: Sociologists Publications.
- Pablo, J. (2014). "Urban planning for city managers and officials", translated by Mohammad Rahim Rahnama, Mashhad: Mashhad Islamic Council Research Center Publications. (Persian).
- Pew, C. (2005). "Sustainable cities in developing countries", translated by Nasser Moharramnejad, Tehran: Publications of the Center for Urban Planning and Architecture Studies. (Persian).
- Rahnamaei, M. T. & Pourmousavi, S. M. (2006). "Study of security instabilities in Tehran metropolis based on indicators of sustainable urban development", Quarterly Journal of Geographical Research, Volume 38, Number 57. (Persian).
- Rapaport , A. (1977). "The Human Aspects of Urban Form", New York, Pergamon Press.

Roustaie, S. & et al. (2012). "Comparative model of poverty spread in Kermanshah in the period 1375-1385", *Quarterly Journal of Regional Urban Studies and Research*, 3(12). (Persian).

Safaeipour, M & Sajadi, J. (2008). "Social and Spatial Causes and Consequences of Ahwaz Intra-Urban Migration (Case Study: Kian Pars)", *Research Journal of the University of Isfahan*, No. 29. (Persian).

Saghaei, M. & et. al. (2012). "Spatial text of the pilgrimage of Imam Reza (AS)", *Iranian Journal of Social Studies*, 3(4). (Persian).

Saghaei, M. (2014). "Deconstruction Formulation in the Theoretical Struggle of Radical Geography", a collection of essays on the philosophy of geography, by Murad Kaviani Rad and Nasrin Khaniha, Tehran: Publications of the Geopolitical Association of Iran. (Persian).

Sajadi, J. & Sadeghi, Y. (2008). "Formation of Non-Governmental Organizations, Organization of Informal Settlements (Case Study: Islamshahr, Mianabad)", *Quarterly Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 8(6). (Persian).

Sharipour, M. (2008). "Urban Sociology", Tehran: Samat Publications. (Persian).

Shokouei, H & Kazemi, M. M. (2005). *Fundamentals of Urban Geography*, Tehran: Payame Noor University Press. (Persian).

Shokouei, H. (1997). "Social Geography of Cities", Tehran: University Jihad Publications. (Persian).

Sinaei, A. A. & Ahmadvand, Z. (2008). "Some principles governing the relationship between urban planning and citizenship in Islamic texts", *Proceedings of the first Islamic Utopia Conference*. (Persian).

Smith, James M. (2008). "Strategic Culture and Violent Non State Actors: Weapons of Mass Destruction and Asymmetrical Operations Concepts and Cases", USA Institute for National Security Studies USAF Academy, Colorado.

Soja, E. (1980). "Socio-Spatial Dialectic", *Annals of the Association of American Geographers*, 70: 207-225.

Soja, E. (1990). "Postmodern geographies", reassertion of space in critical social theory, Verso, second expression, London – Newyork, p 432.

Tankis, F. (2009). "Space, city and social theory: social relations and urban forms", translated by Hamid Reza Parsi and Arezoo Platoni, Tehran: University of Tehran. (Persian).

Tehran Research and Planning Center. (2006). "Tehran Metropolitan Encyclopedia", Tehran: Geographical Research Management of Tehran Municipality. (Persian).

Tehran Research and Planning Center. (2013). "Construction of Tehran", preparation of strategic and operational plans with emphasis on the promotion of Iranian Islamic identity, Tehran. (Persian).

Vandik, M. P. (2015). "Urban Management from Theory to Practice: Governing Cities in Developing Countries", Translation por Gholamreza Kazemian y Hamed Rastegar, Teherán: Tisa Publications. (Persian).

Yousefi Bohlouli, G. M. (2009). "Investigating the effects of political divisions on the spatial structure of Bojnourd city", Master Thesis, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature and Humanities. (Persian).

Zaki, Y. & Heidari Mosul, T. & Rahimi, H. (2014). "The role of political space management in urban development programs; with emphasis on Iran", Tehran: 7th Congress of the Geopolitical Association of Iran. (Persian).

Zarabi, & Tabrizi, N. (2011). "Determining the level of development of cities in Mazandaran province, factor analysis approach", Quarterly Journal of Environmental Planning, 4(12). (Persian).

Ziari, K. (2007). Principles and methods of regional planning, Tehran: University of Tehran Press. (Persian).

Ziari, Keramatullah (2004). "Schools and theories of regional planning", Yazd: Yazd University Press. (Persian).

Class boundaries, the Primary Obstacle to Organize the Urban Space (Case Study: The Metropolis Tehran)

Mohsen Janparvar (Ph.D)¹, Arash Ghorbani Sepehr²
Masoumeh Gane Hasannia Khabaz³

DOI: 10.22055/QJSD.2022.24127.1558

Abstract:

Cities as geographic phenomena during recent decades through changes in globalization and enter the information age have become one of the leading elements of human life. So that urban development can be considered one of the most complex social developments in half a century. This development has brought with a series of problems such as marginalization, major cities etc. One of the most important issues in the uneven development in urban space and formation and development of class boundaries, especially in large cities of Third World such as Tehran, which affects the different organizing of the city and produce difficulty. On this basis, this paper has worked with the analytical method investigated the effects of development on the organizing of class boundaries in Tehran. Surveys indicate that the space in Tehran can be simply observed class boundaries such as income levels, access to facilities, access to green space, etc. These class boundaries in the city such gaps have fragmented the city. The results of this study indicate that existence of class boundaries in Tehran and its development has created different spaces that act as a barrier to organizing in Tehran.

Key Concepts: *Organizing, Class Boundaries, Production of Space, Urban Space, Tehran*

¹ Assistant Professor of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, janparvar@um.ac.ir

² Ph.D. student of Political Geography, Kharazmi University of Tehran, Teran, Iran (Corresponding Author), ar.ghorbanisepehr@mail.um.ac.ir

³ Master's Student of Geography and Urban Planning (Amish) University of Tehran, Tehran, Iran, masoumeh.gane@ut.ac.ir

